

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

# پذیرش پیشنهادات سرمایه داران، حمایت از امپریالیسم و خیانت به خلق است

سر مقاله

## عوامفربان به امپریالیسم خدمت میکنند

ترور آیت الله مطهری برای آنها که می کوشند به هروسيله ای و با هر دستاویزی که شده خلقهای ایران را به دویخش مسلمان و کافر تقسیم کنند، فرصتی طلایی بدست آورد. یکبار دیگر فرصت طلبان و کارشناسان جعل حقایق با چارو و چنگال میدان آمدند و به عبث کوشیدند، کمونیستها، بویزه فدائیان را عامل ترور آیت الله مطهری جابزنند.

عناصری که حادثه گنبد رابه کمونیستها نسبت می دادند، روحانی نمایانی که گروهان گیری فرزندان آیت الله طالقانی را در حضور هزاران تن از مردم بایبشرمی تمام به فدائیان نسبت می دادند، این بار نیز همان گونه که انتظار می رفت، ترور آیت الله مطهری را توسط کمونیستها اعلام کردند. این آقایان باید از قاتلان آیت الله مطهری خیلی متشکر باشند، چون اگر این حادثه پیش نمی آمد بهانه تازه ای برای فحاشی و تحریک مردم بر علیه نیروهای ترقیخواه نداشتند.

این آقایان قطعاً زهر حادثه شومی که در این مملکت اتفاق می افتد سخت خوشحال می شوند، اینگونه حوادث بدون شک قند درد دل آقایان آب می کند، چرا که بهانه کافی برای حمله به فدائیان و نیروهای ترقیخواه برایشان فراهم می کند. آقایان غم نخورید. مطمئن باشید که کارشناسان کارگشته امپریالیسم و صهیونیسم، مادام که شاهزاده شومی رابه فدائیان و سایر نیروهای ترقیخواه نسبت می دهد برای آنان انواع حوادث و رویدادهای جورواجور، تدارک می بینند. برای امپریالیسم و صهیونیسم هیچ کاری ساده تر از این نیست که میان مردمی که شما بر علیه هم تحریکشان کرده اید، با شلیک چند گلوله جنگ به راه اندازند و یا با ترور یک شخصیت مذهبی زمینه مساعد را برای دروغپردازیهای شما فراهم کنند. امپریالیسم و صهیونیسم هدف اصلی شان حمله به نیروهای ترقیخواه ایران است. وجه بهتر که این حمله رابه کک شما عناصر فداکار انجام دهد.

آقایان شما اینک ماههاست که چه بخواهید و چه نخواهید، مردم را در برابر

بقیه در صفحه ۲

سرمایه دارانی که تا دیروز از هیبت خروش توده ها هریک به گوشه ای خزیده بودند، اکنون از سوراخهای خود بیرون آمده اند و فعالیت وسیعی را برای حفظ موجودیت خودشان آغاز کرده اند. آنها به هر دری می زنند، به هر مقامی متوسل می شوند، سعی می کنند در کمیته ها نفوذ کنند و توصیه های عریض و طویل به دولت می کنند. در روزهای اخیر اطلاعات و گزارش های متعددی به ما رسیده است که بیانگر

این فعالیت وسیع از جانب سرمایه داران وابسته است که این بار چهره عوض کرده اند و بانام به اصطلاح سرمایه داران ملی قدم به میدان گذاشته اند. این سرمایه داران در طی جلساتی که با وزیران یا نمایندگان آنها داشته اند پیشنهادهای خود را که هدفی جز غارت بیشتر خلق و ادامه وابستگی کشور ندارد، ارائه داده اند. آنها اینک به فکر افتاده اند که "نیروی خود را در جهت انقلاب به کار

اندازند!! آیا راستی هدف آنها همین است؟ واقعیت این است که آنها نیروی خود را برای نابودی انقلاب بسیج کرده اند. آیا سرمایه دارانی که هدفی جز استثمار کارگران و بدست آوردن حداکثر سود ندارند میتوانند به انقلاب خدمت کنند و منافع خلق را در نظر داشته باشند؟

بقیه در صفحه ۲

## خلق و فقط خلق است که تاریخ را میسازد

رهبر بزرگ انقلاب ویتنام، شهس "هوشی مینه" نامگذاری کرد. پیروزی انقلاب ویتنام نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ضد امپریالیسم است. ارتجاعی مردم جهان بشمار می رود. این انقلاب نشان داد که چگونه خلقی که مجهز به آگاهی انقلابی است و حزبی پیشرو آنرا رهبری می کند، میتواند با

دوم اردیبهشت ۱۳۵۴ (۳۰ آوریل ۱۹۷۵) مصادف با یکی از درخشانترین لحظات تاریخ بشریت یعنی پیروزی خلق قهرمان ویتنام بر امپریالیسم تجاوزگر آمریکا و مزدوران بومی اش می باشد. در این روز تاریخی ارتش آزادیبخش آخرین سنگر های رژیم دست نشانده امریکارادرویتنام درهم کوبید. شهر سایگون، پایتخت ویتنام جنوبی را آزاد ساخت و آن را بنام

تاریخ مبارزات ضد استعماری مردم ویتنام از هنگام تسلط غارتگران فرانسوی در سال ۱۸۸۴ آغاز گردید. در یک رشت قیامها و مبارزات مسلحانه تبلور یافت که اولین آنها قیام مردم هوئه در سال ۱۸۸۵ بود. تشکیل "حزب کار ویتنام" در فوریه ۱۹۳۰ نقطه عطف مبارزات مردم ویتنام بود. تشکیل "حزب کار ویتنام" در فوریه ۱۹۳۰ نقطه عطف مبارزات مردم ویتنام بود. تشکیل "حزب کار ویتنام" در فوریه ۱۹۳۰ نقطه عطف مبارزات مردم ویتنام بود.

بقیه در صفحه ۱۰

## از شورای کارگری چه میخواهیم؟

کارگران پیشاهنگ سیمان تهران نظر میدهند

تشکیلات هستند. کارگران پیشاهنگ سیمان تهران پس از این مقدمه وظایف شوراها را بررسی کرده اند که قسمتی از آن را در زیر می خوانید

کارگران پیشاهنگ سیمان تهران در اعلامیه شماره ۲ خود تحت عنوان "از شورای کارگری چه می خواهیم؟" به تشریح وظایف شوراها و کارگری پرداخته اند. در مقدمه این اعلامیه ضمن اشاره به اهمیت مبارزات کارگران در سرنوشت رژیم خونخوار گذشته آمده است:

## تاریخچه جنبش کارگری جهان

آشنایی با تاریخ مبارزات کارگران جهان، این طبقه انقلابی که آینه شده متعلق به اوست، بامی آموزد که مبارزات کارگران چه سیر تکاملی طی کرده و جنبه های قوت و ضعف آن چگونه بوده است. درس گیری از این تجربیات با ارزش جنبش کارگری به ما امکان می دهد که در مبارزاتمان مشکل تر، آگاهانه تر و با برنامه حرکت کنیم. به این جهت ما از این به بعد در هر شماره دوره ای از تاریخ جنبش کارگری را بازگویی کنیم.

بمناسبت

# سالروز تولد کارل مارکس

پرچمدار سوسیالیسم علمی و راهنمای زندگی نوین برای بشریت

در صفحه ۹

## افزایش قیمت باری است بردوش زحمتکشان

گرانی مسئله ایست که گریبانگیر همه زحمتکشان میهن ماست. بخصوص چندین سال است که قیمت کالاها و اجناس مورد نیاز زحمتکشان مدام افزایش یافته است. چرا اصولاً قیمت کالاها و اجناس مورد نیاز توده های مردم مدام افزایش می یابد؟ آیا در همه کشورها افزایش قیمت ها وجود دارد؟ چگونه میتوان از شر آن راحت شد؟ مادر زیر می کوشیم تا آنجا که امکان دارد باین سئوالات جواب دهیم و تاثیر گرانی را بر زندگی زحمتکشان بررسی کنیم.

مادر کشوری زندگی می کنیم که در آن کارخانه ها، مواد خام، زمین، پول و ثروت در دست سرمایه داران و زمینداران است و در مقابل کارگرانی هستند که با فروش نیروی کارشان مزد ناچیزی بدست می آورند. در هر کشوری که سرمایه داری حاکم است یک چنین وضعیتی وجود دارد. سرمایه داری برای زحمتکشان جز فقر و فلاکت و فشار طاقت فرسا نمره ای ندارد. خصوصیت سرمایه داری این است که در آن انبوه کارگران توسط یک اقلیت ناچیز بنام سرمایه داران استثمار می شوند. در یک چنین جامعه ای هر سرمایه دار درسی سود بیشتر است و تلاش می کند که جیب

بقیه در صفحه ۱۰

## چرا کاپیتولاسیون را لغو نمیکنید؟

لغو قانون مصونیت قضائی حاسوسان امریکائی (کاپیتولاسیون) خواست عاجل مردم ایران است

در صفحه ۱۰

# پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# کارگران سخن میگویند

چه کسانی به انقلاب خیانت می کنند؟ چه کسانی هستند که نمی خواهند طبقه کارگر خود سرنوشت خود را تعیین کند؟ چه کسانی از ایجاد شوراهای کارگری و سندیکای واقعی هراس دارند؟ پاسخ دادن به این سئوالات زیاد دشوار نیست، اما بهتر است پاسخ را از زبان خود کارگران بشنویم.

## خفقان دوباره به کارخانه ها باز میگردد

من یک کارگر چاپخانه هستم که سالهای سال توی زیرزمین های دخمه مانندی به اسم چاپخانه کار کرده ام. گذشته از مناسب نبودن محیط کار و بیگناختی و خسته کننده اش، گذشته از کیفیت بودن هوای کارگاه و خطراتی که کارگران را تهدید می کند، بایک خطر دیگر هم مواجه هستیم که خیلی کشنده تر از خطری است که جسم و جان ما را تهدید می کند، یعنی خطری که دوباره دارد فضای چاپخانه ها را مسموم می کند، یعنی خطر اختناق.

قبلا ساواک نمی گذاشت کارگرهای چاپخانه متشکل بشوند و خفقان شدیدی را به کارگرها تحمیل می کرد. در کارگاههایی که من کار کرده ام همیشه شاهد عدم اعتماد کارگرها به همدیگر بوده ام. شاهد ترس کارگرها از عوامل کارفرما، ترس از دستگاہهای سرکوبگر رژیم، ترس از مسئولین حفاظت (ساواک) کارخانه بوده ام.

اگر در یک چاپخانه کارگرها بعلت کمی دستمزدها بعلت ندادن سود و سایر مزایای کارگری لازم می دیدند که اعتصاب کنند، وحشت از همین دستگاہهای سرکوبگر مانعشان می شود و علاوه بر توبیخ و جریمه و اخراج و زندانهای ساواک تازه سندیکاهای فرمایشی وجود داشت که عملاً در جهت منافع کارفرما بود و مانع تشکیل واقعی کارگرهای می شده همین جهت کارگرهای هر صنف به علت خیانتها و سرسپردگیهای سندیکاهای فرمایشی و از هر نوع سندیکاهای تشکیلاتی بیزار بودند و برای گرفتن حق خودشان به اقدام های فردی دست می زدند که اغلب به نفع کارفرما تمام می شد. کارفرما از این طریق یک یا چند نفر را از صنف سرسپرده نگه می داشت و بقیه را استثمار می کرد اما حالا که بقولی انقلاب شده و می گویند به حق کارگر توجه خواهد شد، می بینیم که عوامل مشکوکی باز دارند تشکیل کارگران را مانع می شوند. به اینصورت که از طرف دولت و کارفرمایان در میان کارگران ناآگاه سمپاشی می شود و کارگران را از مسائل کارگری خود منحرف می کنند و باعث می شوند که کارگران ناآگاه نسبت به کارگران مبارز جنبه گیری کنند و از آنها دور شوند. بعنوان مثال من و برادر من که در کارگاه دیگری کار می کردیم توانستیم با دیگر رفقای کارگر خود قدمهایی در راه احقاق حقوق از دست رفته خود برداریم اما با تبلیغاتی که از طرف افراد کمیته و دولت موقت در میان کارگران صورت گرفت و جنبه گیری ای که از جانب دولت و رهبران مذهبی در مقابل کارگران مبارز و جریانات کمونیستی انجام شده با تمام سعی که ما کردیم، کارگران ناآگاه نسبت به کارگران مبارز بدبین شده و ما را در مقابل هم قرار دادند.

من چندین نفر از عوامل ساواک را در چاپخانه های شناسم که هنوز هم در چاپخانه ها وجود دارند و با استفاده از این تبلیغات سوئی که علیه کارگران صورت می گیرد به توطئه های ضد کارگری خود ادامه می دهند. اینها می خواهند بدین وسیله دوباره مثل گذشته خون ما را بکنند، ما را به اضافه کاریهای طاقت فرسا بکشانند و همگان دستمزدهای ناقابل را که شکم ما را هم سیر نمی کند جلوی ما بگذارند و کاری کنند که دیگر صدای اعتراضمان هم در نیاید. خوب ما چکار باید بکنیم؟ اولین قدمی که باید برداریم این است که آگاه و بیدار بشویم و در محیط کارمان و خارج از محیط کارمان دوستانمان را تشخیص بدهیم تا بتوانیم متحد و متشکل در برابر این توطئه گران بایستیم و حقیقتاً راکه به زور از ما می گیرند پس بگیریم.

### بقیه از صفحه ۱ عوام فریبان به ...

هم قرامی دهید، مردم را به دویخش مسلمان و غیرمسلمان تقسیم می کنید باعث برادرکشی می شوید و نتیجه کارتان تاکنون این بوده است که انقلاب را متوقف کرده اید و مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای ایران را عملاً به مبارزه مردم بر علیه مردم تبدیل کرده اید. الحق که امپریالیزم و صهیونیزم مهرون فداکاریهای شما هستند و البته برایتان هربانه و هرسوزه ای که بخواهید فراهم می کنند.

آقایان خیلی از مردم می دانند که گروه فرقان یک گروه مذهبی است که به تازگی هم بوجود نیامده و هیچ ربطی هم به کمونیستها و فدائیان ندارد، شاهنشاهی این را خیلی بهتر از ما می داند. پس چرا می کوشید با حرفهای دویپهلو کمونیستها را متهم کنید؟ چرا مردم را به اشتباه می اندازید؟ چرا عوام فریبی می کنید؟ همین است اسلام شما؟

آقایان خورشید حقیقت برای همیشه زیر ابرهای سیاه جعلیات و دروغ و غیردرازیها پنهان نمی ماند. شما امروز مردم، بخصوص جوانان را بر علیه فدائیان تحریک می کنید، شما امروز دشمنان واقعی مردم را پنهان می کنید و فداکارترین فرزندان این مرز و بوم را دشمنان مردم معرفی می کنید و شاید هم برای مدتی کوتاه برخی از مردم را بفریبید و زمینه های بزرگتری را فراهم کنید، اما مطمئن باشید که خلقهای قهرمان ایران سرانجام با هبیت واقعی شما را خواهند شناخت و البته در آن زمان شما باید حساب همه دروغ پردازیها و عوام فریبی های خود را پس بدهید.

### رئیس بانک مرکزی اعلام کرد:

### در صورت برگردانیدن سرمایه ها

## سرمایه داران تضمین جانی و مالی میشوند!!

براستی مگر غیر از این انتظار می رفت؟ تضمین به سرمایه داران وابسته برای هجوم و غارت مجدد دوران انتظار نبود. طبیعی است که اینهمه توطئه و نیرنگ در فریب جوانان پر شور و تحریک احساسات مذهبی آنان در مقابل اعتراض کارگران و زحمتکشان در کسب حقوق عادلانه خود و سیج اوباشان و قداره بندان رژیم پیشین برای هجوم نیروهای انقلابی و مبارز بی دلیل نیست. توطئه چینی و

## پذیرش پیشنهادهای ...

آنها را تأیید و اعلام کنند و با ادارات کبار همکاری کنند. آنها حتی به انعکاس مبارزات و خواسته های کارگران در روزنامه ها و رادیو تلویزیون اعتراض دارند، زیرا معتقدند که این انعکاس مبارزات و خواسته های کارگران مانند شعله آتشی است که به بنزین زده شود. پس بی دلیل هم نیست که امروزه ما شاهدیم رادیو تلویزیون تحت سانسور قرار گرفته است و با انعکاس اخبار و گزارشهای مربوط به مبارزات کارگران در مطبوعات، بخصوص در نشریات نیروهای که از منافع کارگران دیگر زحمتکشان دفاع می کنند، به شدت مخالفت می شود و دست به هزاران دسیسه بر علیه مدافعین منافع طبقه کارگر می زند. اینها چند نمونه بود از پیشنهادهای سرمایه داران به دولت. پیشنهادهایی که جز به زیان کارگران و توده های مردم نیست. در جامعه ما هرگونه حمایت و پشتیبانی از سرمایه داران وابسته، خدمت به امپریالیسم محسوب می شود.

آنها می گمان می کنند با واژگونی رژیم سرسپرده پهلوی بدون نابودی سرمایه داری وابسته، بساط امپریالیسم از ایران برچیده شده است و به حمایت از سرمایه داران برخاسته اند. ما مردم را گول می زنند تا آنقدر آگاهی ندارند که این مسئله را درک کنند که در شرایط کنونی جهان هنگامیکه امپریالیزم با هزاران رشته، اقتصاد کشور ما را بخود وابسته کرده است، تقویت مناسبات سرمایه داری به معنای تقویت موضع امپریالیسم است.

ما شدیداً هشدار می دهیم که هر گونه اقدامی در جهت حمایت از سرمایه داران و عملی کردن پیشنهادهای آنها بزیان خلق و به نفع امپریالیسم و سرمایه داری وابسته است. خلق ما آنهمه شهید نداده که پس از مدتی کوتاه دوباره سرمایه داران مفت خور و وابسته بر سرنوشتش حاکم شوند و مانند گذشته همراه با شرکای خارجی شان دست به غارت میهن ما و استثمار توده های مردم بزنند. آنچه که امروز مردم خواستار آن هستند مبارزه با سرمایه داران و ملی کردن سرمایه های وابسته است نه تقویت موضع آنها. بنابراین تن در دادن به پیشنهادهای سرمایه داران خیانت به خلق محسوب می شود.

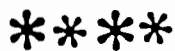
جنبه ای دزدان و غارتگران میهن اعلام می کند: " حتی اگر لازم باشد شخصاً پیش امام رفته و برای آنها تضمین جانی می گیرم. حتی امثال "علی رضایی ها" هم اگر سرمایه ها را بازگردانند می توانند بیایند و فعالیت اقتصادی خود را از سر بگیرند (نقل از بیگام امروز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه)

مردم مبارز ما بخوبی سخنان این مزدور وابسته به امپریالیزم و این نوکر سرسپرده امپریالیزم امریکادار مجلس سنا، در موقع قیام قهرمانانه مردم تبریز بیاد دارند که از رژیم شاه درخواست سرکوب همه جانبه مردم تبریز را داشت.

عوامل سرمایه داری وابسته طاقتشان طاق شده و دیگر بیش از این حاضر به معلق ماندن منافع سرسام آور خود و اربابان امپریالیستان به ویژه امپریالیسم امریکا نیستند. می بینیم که امیرانتظام سخنگوی دولت یکرور کارگران مبارز را ضد انقلابی خطاب می کند و روزی دیگر با داشت وزندانی کردن انقلابیون راستین خلق را قانونی جلوه می دهد تا به سهم خود آبی در آسیاب اربابانش ریخته باشد و توده ها را بفریبید. تمام حربه ها و نیرنگ ها علیه نیروهای ترقی خواه به کار می رود و لسی خلقهای ستمدیده میهن به ویژه کارگران قهرمان هشیار تراز آنند که امپریالیزم و عوامل آن تصور می کنند. مردم دیگر هرگز تن به سیادت رضائی ها، خیامی ها و دیگر سرسپردگان امپریالیزم به ویژه امپریالیزم امریکا نخواهند داد.

دستاویز ساز شکاران و عوامل امپریالیزم در دعوت مجدد از غارتگران و جنایتکاران موج بیکاری و رکود اقتصادی حاکم بر جامعه است که این خود تنها و تنها علت وجود نظام حاکم در جامعه پدید آمده است و روشن است که راه حل این دشواری تقویت نظام گذشته نیست. این آقایان نیروی خلق را در چرخاندن چرخهای اقتصادی میهن به هیچ گرفته و برای جلوگیری از رکود اقتصادی دست گدایی به سوی دزدان و غارتگران جهانی دراز می کنند.

مردم پس از این همه مبارزه و این همه شهید و تحمل این همه رنج دیگر دست کم چهره سرمایه دارانی که تا دیروز ملتی را به خاک و خون کشیدند بخوبی می شناسند، مردم ما بخوبی می دانند که علت همه رنجها و محرومیتها سلطه سرمایه داری وابسته است. فقط با ملی کردن تمام سرمایه های امپریالیستی ایجاد صنایع مادر و مهتر از همه اتکاء به نیروی لایزال کارگران و زحمتکشان است که دست امپریالیزم از میهن کوتاه می شود و نابسامانیهای رژیم گذشته محو می شود. خلق کبیر ما برخلاف شما به هیچ وجه حاضر به سازش با امپریالیسم و عوامل آن نیست.



### کارگران متحد ذوب آهن اصفهان

# چرا عاملین کشتار کارگران را معرفی نمی کنید؟

اصفهان- کارگران متحد ذوب آهن اصفهان در بیانیه ای خواستار معرفی و محازات عاملین حمله به اجتماعات کارگری و به ویژه معرفی عاملان کشتار و زخمی کردن کارگران اصفهانی شده اند. آنها این سؤال را مطرح کرده اند:

به چه دلیل در برابر این توطئه های ناجوانمردانه سکوت می شود؟ چرا به خواست یکپارچه کارگران سراسر ایران که در هزاران قطعه نامه و بیانیه مطرح شده جواب نمی دهند و عاملان جنایات ضد کارگری را رسوائی کنند؟

کارگران متحد ذوب آهن اصفهان با اشاره به مشکلات بیشمار کارگران بیکار و

اخراجی از مسئولان پرسیده اند که آیا صدای کارگریکار، کارگری که جز نیروی بازوی خود چیزی برای فروش و اداسه زندگی ندارد، باید با گلوله پاسخ داده شود؟ آیا این اعمال نشان دهنده حاکمیت شوم سرمایه داران و عوامل وابسته به آنها نیست؟

در پایان قطعه نامه کارگران متحد ذوب آهن اصفهان خواستهای زیر مطرح شده است:

- ۱- رسیدگی فوری به وضع کارگرانی که در مبارزه با رژیم گذشته و یادروزان دولت کنونی بیکار شده اند.
- ۲- اخباری به گوش می رسد که گویا سرپرستان جدید کارخانه ذوب آهن تصمیم به اخراج گروهی از کارگران

### همبستگی کارگران و آگاهی آنها از مبارزات طبقاتی،

### ضامن پیروزی است

کارگری و ضرورت ایجاد وحدت و همبستگی میان کارگران بنیان داشت و شیوه های استثمار سرمایه داری را بر سر مرد وی گفت: از مبارزات طبقاتی می توان در ضامن پیروزی نهائی باشد و بنا بر این وظیفه کارگران است که در این راه بکوشند.

اجتماع گروهی از کارگران و روشنفکران تبریز در میان ابراز احساسات آنها نسبت به مبارزین راه آزادی و ادامه مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع پایان یافت.

تبریز- بیش از هزار تن از کارگران و زحمتکشان و روشنفکران تبریز در اجتماعی شرکت کردند و در مورد مبارزات کارگری ایران و مسائل روز جنبش بحث و بررسی کردند.

در این جلسه گزارشی از اوضاع مناطق "مغان" ووشکین شهرونی چند شعر انقلابی خوانده شد. در پایان یکی از رفقای کارگرسختانی در زمینه تشکیلات

### اجتماع رانندگان کامیون

تهران - صدها تن از رانندگان کامیون روز شانزدهم اردیبهشت در خیابان امیرآباد اجتماع کردند و خواهان دریافت کامیون های متعلق به دربار و سرمایه داران وابسته شدند. رانندگان نسبت به دریافت چهل هزار تومان پیش قسط اعتراض دارند و می خواهند کامیونها بطور اقساط و بدون این شرط به آنها واگذار شود.

## گرامی باد خاطره خسرو روزبه

۲۲ اردیبهشت مصادف است با شهادت خسرو روزبه مبارز صدیق راه طبقه کارگر، هنگامی که اکثریت رهبران حزب توده در مقابل رژیم کودتا بازبونی تسلیم و به خیانت کشیده شده و یا از آیین گریخته بودند روزبه همانند دلوران دیگری نظیر سیامک، وکیلی، وارطان و... پرچم مبارزه و مقاومت و دفاع از جنبش خلق را در مقابل رژیم بلند کرد. مقاومت و سرسختی او در مقابل دشمنان رژیم و دفاع او در بهدادگاه شاه مشقت محکمی به دهان رهبری نادم و تسلیم شده حزب توده بود و امید مبارزه و مقاومت را در مبارزان تقویت نمود.

سرانجام روزبه در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۷ در مقابل جوخه اعدام قرار گرفت و نامش در تاریخ مبارزات خلقهای ایران جاودانه شد.

### اخطار صیادان بیکار با بلنسر

به دولت - صیادان صیدگاههای نورس، چالوس، خیرود، نویسی، ایزده سن، آباد، توسکاتوک، سررود، فریدون کنار، بابلسر، میرو، چیکرود و لاریم، طی یک اعلامیه وضع مشقت باز خود را در گذشته تشریح کردند و خواهان تجدیدنظر در قرارداد های شوم سابق شدند. قرار دادهائی که آنها را مجبور می کرد نیمه از سال را با حداقل حقوق و نیمه دیگر را بدون هیچگونه حقی بسر بزنند. در این اعلامیه آمده است:

"ما صیادان از دولت انقلابی می خواهیم همانطور که در جهت رسیدگی به خواستهای کارگران بیکار پیش می رود، در صدد چاره جویی خواسته های عملی و منطقی ما صیادان برآید، در غیر این صورت بیکاری ما گذشته از کمبود بودجه ناراحتی های دیگری را در آینده گریبانگیر دولت می کند."

### نمایندگان تحمیلی در شورای کارخانه

رشت - کارگران کارخانه کانادادری رشت نسبت به انتخاب شش تن از اعضای شورای کارخانه معترض هستند. گفته می شود این شش تن از عوامل کارفرما هستند. کارفرما که به تهران متواری شده همچنان درآمد کارخانه را "به جیب می زند". کارگران ضمن اعتراض به شش نماینده تحمیلی خواستار تعقیب قانونی کارفرما و جلوگیری از چپاول وی شدند.

ساختمانی، بهره برداری و رانندگانی گرفته اند. ماضن محکوم کردن اینگونه تصمیمات اعلام می کنیم که اجازه نمی دهیم هیچ یک از کارگران اخراج شوند.

۳- روز جمعه ۱۷ فروردین چند تن از اعضاء مسلح کمیته شخصی را که در جلو سوپرمارکت محله پولاد شهر مشغول فروش کتاب و روزنامه های کارگری بوده دستگیری می کنند و کتابها و روزنامه های او توقیف می شود. اینگونه اعمال چیزی جز مبارزه با آزادی و برقراری سانسور و جلوگیری از رشد فکری کارگران نیست. ما هرگونه سانسور و اختناق را محکوم می کنیم و خواستار جلوگیری از اینگونه اقدامات هستیم.

### مشکلات کارگران راه حل انقلابی

### میخواهد

تهران- کارگران کارخانجات "هپکو" در قطعه نامه ای خواستهای اقتصادی و رفاهی خود را تشریح کردند و خواستار رسیدگی انقلابی به وضع کارگران شدند. در این قطعه نامه آمده است:

"باینکه کارگران نقش حساسی در مبارزات اخیر خلق ایران داشتند ولی متأسفانه مانند گذشته با آنها رفتار می شود. هنوز همان شرایط گذشته حاکم است و مشکلات مالی، بهداشتی، مسکن، بیمه و سایر نیازهای اولیه حل نشده است. کارگران کارخانجات هپکو در پایان قطعه نامه خواستار شرکت کارگران در تصمیم گیریها شده اند.

### تهران - کارگران و کارکنان داروخانه ها (نسخه پیچی و داروسازی) در تلاش ایجاد سندیکا هستند. هیات مؤسس این گروه انتخاب شده و کارگران و کارکنان داروخانه ها تاکنون چند جلسه داشته اند.

شرکت ای تی تی را ملی کنید  
تهران - کارگران شرکت آمربکشی ای تی تی (وابسته به شرکت مخابرات) که از یکسال پیش بیکار شده اند برای پیگیری خواسته هایشان که ملی کردن شرکت و بازگشت به کار است، چهار نماینده انتخاب کردند. نمیی از این کارگران در آغاز شروع جنبش اخراج شدند و بقیه اخیراً بیکار شده اند.

ادامه مبارزه کارگران بیکار اهواز - اهواز - کارگران بیکار شده و اخراجی اهواز و حومه به مبارزات خود برای بدست آوردن کار و برخورداری از حقوق ایام بیکاری همچنان ادامه می دهند. این کارگران در اواسط فروردین ماه موفق شدند نخستین اجتماع منظم خود را در محل سندیکای سابق کارگران تشکیل دهند. در این اجتماع بیش از یک هزار کارگر شرکت کردند و طی قطعنامه ای خواستهای خود را مطرح کردند.

### جلوی خودسریهای افراد کمیته در محیط کارگری باید گرفته شود

اتفاق افراد کمیته منطقه در واقع حامی اسکندری هستند. شرکت کردند. کارگران و کارمندان معدن ضمن اعتراض به افراد کمیته و رئیس منطقه از آنها خواستند که توضیح دهند چرا بدون اطلاع آنها مدیرعامل جدید را انتخاب کرده اند. آنها بجای جواب دادن به خواستهای برحق کارکنان معدن بنای توهین و فحاشی را گذاشتند و یکفر را که اعتراض کرده بود مورد ضرب و شتم قرار دادند. معلوم نیست که افرادی نظیر "لال کمالی" سرگری مقدم و خاندانی که عضو کمیته هستند چه کار هستند که به کارکنان معدن توهین می کنند و حتی آنها را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. اقدامات افراد مذکور نشان می دهد که میخواهند صدای حق طلبانه کارکنان معدن را خفه کنند و با تکیه بر زور و قلندری از افرادی که مورد تأیید کارگران نیستند حمایت کنند. کارکنان معدن می خواهند که هر چه زودتر به خواستهای آنها رسیدگی شود و جلو خودسریهای افراد کمیته در محیط کارگری گرفته شود.

کارگران معدن بزرگ زغال سنگ باب نیز (در نزدیکی کرمان) که در شرایط کار طاقت فرسا بسر میبرند از مدتی پیش پاره ای از خواسته های خود را مطرح کرده اند. در روز بیست و یکم فروردین کارکنان این معدن طی گرد همائی خود در حضور رئیس منطقه بنام اسکندری خواستهای خود را مطرح کردند و به او در مهلت دادند که به خواستهای آنها رسیدگی کند. کارگران خواستار آن شدند که مدت کار آنها یکسره شود و چنانچه تا اول اردیبهشت به این خواست آنها رسیدگی نشود، خود را سا اقدام کنند. از خواستهای دیگر کارگران محول شدن امور شرکت تعاونی به خود کارگران و برکناری اسکندری بود. اما چون به خواستهای آنها رسیدگی نشد لذا خود آنها تصمیم گرفتند که بعد از انجام هشت ساعت کار یکسره دست از کار بکشند و این برنامه عملی شد. روز بعد جلسه دیگری تشکیل شد و در این جلسه رئیس منطقه نیز به

## استثمار وحشیانه کارگران

کارگران در طی قطعنامه ای خواستهای خود را بشرح زیر مطرح کردند:

- ۱- تقلیل ساعات کار به ۸ ساعت در روز.
- ۲- اضافه شدن دستمزد کارگران از ۱۸ تومان به ۳۵ تومان.
- ۳- پرداختن حق بیمه درمانی.
- ۴- اضافه کار حذف شود.
- ۵- بیمه کردن کلیه کارگران.

کرمان - کارگران کارخانه ریسندهی و بافندگی رضویه واقع در منطقه بیرآسیاب کرمان، در سخت ترین شرایط بسر می برند و به شدت ترین وجه استثمار می شوند. در این کارخانه که تعداد زیادی از کارگران رازنان تشکیل می دهند حداقل حقوق آنها ده تومان و حداکثر ۲۶ تومان است. ساعات کارده ساعت در روز است و در هر ماه در روز تعطیل دارند. کارفرما به بدترین شکل ممکن با کارگران رفتار می کند.

## اخبار کوتاه

موفقیت کارگران کوره پیازی خاتون آباد - کارگران کوره پیازی خاتون آباد (واقع در ۳۶ کیلومتری جاده تهران - ساوه) که از یک هفته قبل اعتصاب کرده بودند در تاریخ ۱۳ اردیبهشت موفقیت به اعتصاب خود خاتمه دادند. این کارگران توانستند دستمزد هر هزار قالب آجر را از ۵۰ تومان به ۷۰ تومان افزایش دهند.

حمایت از ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا - نمایندگان سی روستای خلق ترکمن "گلبداغ" حمایت خود را از ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا اعلام داشتند و خود را موظف دانستند که در راه منافع خلقهای ایران و به ویژه خلق ستمدیده ترکمن از هیچگونه کوششی فروگذار نکنند.

کارگران مترو خواهان بازگشت به کار شدند - تهران - ۱۵۰ کارگر مترو سازی (قسمت میدان آرژانتین) که از یک ماه پیش بیکار شده و حقوق دریافت نکرده اند در مقابل شهرداری اجتماع کردند و خواهان بازگشت به کار و دریافت حقوق شدند. در این قسمت مترو سازی ۱۵۰ کارگر دیگر مشغول کار هستند.

اجتماع کارگران شرکت ساختمانی تهران - بیش از هزار کارگر شرکت ساختمانی "مهک" که مجزی تاسیسات پایگاه نظامی چاه بهار بوده است چند ماه است حقوق نگرفته اند. ۳۰۰ تن از کارگران در اجتماعي که در محل شرکت در تهران داشتند خواهان روشن شدن وضع کارشان و دریافت چهار ماه حقوق عقب افتاده خودشان شدند. بیش از هزار کارگر نیز اخیراً به تهران وارد شدند که در کنار سایر کارگران شرکت به مبارزه ادامه می دهند. "کشی" مدیرعامل شرکت متواری است.

### اجتماع کارگران بیکار زاهدان

حدود ۵۰۰ نفر از کارگران بیکار شرکت های ساختمانی و راهسازی زاهدان که از چهار ماه پیش کار خود را از دست داده اند بخاطر مشکلات مالی در استانداری زاهدان اجتماع کردند و برای روشن شدن وضع خود، از تاریخ ۵۸/۲/۲ دست به تحصن زدند. مدیرکل امور اجتماعی استان گفته است که چون این ها کارگران فصلی ساختمانی هستند و ام بیکاری به آنها تعلق نمی گیرد.

# گورکی و رئالیسم سوسیالیستی

## پیناست بیستمین سال درگذشت افراشته

روز شنبه ۱۵ اردیبهشت، سالروز درگذشت محمد علی افراشته بود. افراشته را شاید بتوان تنها شاعری دانست که به تمام معنی و با تمام وجود به طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما تعلق داشت و تا به آخر به آنها وفادار ماند.

افراشته در سال ۱۲۸۲ هجری شمسی در روستای "رادباز قلعه" (حومه رشت) به دنیا آمد. زندگی او همواره با توده های محروم مردم پیوند داشت و دردهای آنها را از نزدیک می شناخت.

در روستا برای مدتی تنها مامر درآمد خانواده او یک گاوبود که افراشته آن را به چرا می برد. در شهر هم برای تامین زندگی خودش به انواع اقسام کارهای پرداخت. گاهی شاگرد عطار بود، گاهی تحصیلدار تجارتخانه، گاهی معلم هنرپیشه، راننده، کارمند شهرداری، مقاطعه کار، معمار، مجسمه ساز یا روزنامه نویس. به این ترتیب او در میان همه تپ ها و گروه های مردم دوستانی داشت و با دردمند آشنا بود. او بیشتر از همه به روزنامه نویسی علاقه داشت و مدتی با توفیق همکاری کرد. در واقع

این افراشته بود که توفیق را بصورت یک نشریه فکاهی در آورد. بعد در اسفند ۱۳۲۹ روزنامه چلنگ را بنیان نهاد و تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آن را منتشر کرد. او در این روزنامه با طنزی گزنده از تجار حاکم را به باد حمله می گرفت.

بررسی آثار افراشته و معرفی کامل او در اینجا ممکن نیست و تنها خواستیم یادی از او کرده باشیم. پس از کودتا او به خارج رفت و در سال ۱۳۳۸ در صوفیه چشم از جهان فرو بست. مواضع غلط حزب توده متأسفانه در کار افراشته و در روزنامه چلنگ هم منعکس می شد با اینکه کار او بعنوان یک شاعر و هنرمند مردمی بسیار زشت است.

در حال حاضر برخی از دوستان افراشته می گویند با سو استفاده از نام او برای حزب توده نیز آبرویی کسب کنند یا با آوردن نام توده ای و فدائی و مجاهد در کنار یکدیگر شنیدن نام حزب توده را نیز برای مردم قابل تحمل کنند. بد نیست با خواندن شعری که یکی از دوستان اران افراشته سروده است، از زبان خود او باسخی به این گروه بدھیم.

گورکی در یکی از نامه های می گوید: "رئالیسم در ادبیات بورژوازی حالت انتقادی دارد، لکن فقط تا آنجا که ضرورت دارد اشتباهات بورژوازی را گوشزد و اصلاح کند تا قدرت بورژوازی بیشتر تحکیم شود. رئالیسم سوسیالیستی هدفش مبارزه با بقایای دنیای کهن و آثار زبان آور آن وریشه کن کردن این آثار است. لکن وظیفه اصلی آن اعتلاء یک جهان بینی سوسیالیستی و انقلابی در بین مردم است." در آثار گورکی، صرف نظر از پذیرش جهان بینی طبقه کارگر یعنی سوسیالیسم علمی، ما می توانیم سایر ویژگیهای اصلی رئالیسم سوسیالیستی را نیز به وضوح ببینیم، این ویژگیها بطور خلاصه و فهرست وار از این قرارند:



- ۱- انتقاد همه جانبه از کل جامعه سرمایه داری است، نه فقط از برخی جنبه های آن، همراه با تأیید صمیمانه دورنمای جامعه سوسیالیستی و نظام نوین اجتماعی (نه پذیرش آن با آغراه و از روی اجبار). انتقاد گورکی از جامعه سرمایه داری بر اساس تحلیل دقیق جامعه و طبقات اصلی این جامعه بود. او در آثارش نشان می داد که چگونه شرایط غیر طبیعی زندگی، انسانهای زحمتکش را عاوی و وحشی می کند، در حالیکه بورژواهای تازه بدوران رسیده و نوکیسه فطرتا و ماهیتا جنایتکار و طماع و ستمگر هستند و برای رسیدن به هدف خودشان که همان سود بیشتر است حاضرند به زشت ترین کارهای ضد بشری هم دست بزنند.
- ۲- قهرمانان گورکی همیشه بصورت تپ هستند، یعنی با وجود آنکه خصوصیات آنها کاملاً نشان داده شده اما در این خصوصیات فردی مبالغه نشده و در نظر او میتوان تشخیص داد که آنها چه تپیی دارند و به کدام طبقه تعلق دارند.
- ۳- گورکی هم مانند رئالیستهای انتقادی مبارزه طبقاتی را در جامعه نشان می دهد اما تنها به نشان دادن آن یا بررسی تأثیراتش در تک تک افراد جامعه اکتفا نمی کند بلکه نتایج طبیعی این مبارزه طبقاتی را که استقرار جامعه نوین سوسیالیستی است با دقت و بطرز علمی نشان می دهد.
- ۴- توجه به تاریخ در رئالیسم سوسیالیستی و در آثار گورکی نیز (مانند رئالیسم انتقادی) وجود دارد اما در اینجا نتایج طبیعی سیر تاریخ و حرکت بی وقته طبقه کارگر است.

مانمی توانیم موقعی که درباره رئالیسم سوسیالیستی صحبت می کنیم، یادی از گورکی نکنیم. این دوازدهمیدگر مدافعی ناپذیرند. رئالیسم سوسیالیستی به گورکی بیش از هر هنرمند دیگری مدیون است، تا آنجا که حتی نامش را هم به گورکی مدیون است. گورکی از نخستین هنرمندان بود که پس از آگاهی یافتن از نقش طبقه کارگر و با اعتقاد کامل به رسالت تاریخی این طبقه، هنر و ادبیات کارگری را پایه گذاری کردند. او همچنین نخستین کسی بود که ادبیات و هنر طبقه کارگر را رئالیسم سوسیالیستی نامید و آن را از رئالیسم انتقادی متمایز کرد.

اکنون که درباره گورکی صحبت می کنیم ۱۱۱ سال از تولد او و ۴۳ سال از مرگش می گذرد. نام اصلی او آلکسی ماکسیمویچ پشکف بود. او در شهر کوچکی در ساحل رودخانه ولگا و روسیه به دنیا آمد و اکنون این شهر را بنام او "گورکی" می خوانند.

آلکسی کوچک چند سال بیشتر نداشت که پدرش مرد و پدر بزرگش سرپرستی او را عهده گرفت. دوران کودکی او سراسر در فقر و بدبختی و کشمکش های خانوادگی گذشت و بدون آنکه امکان تحصیل پیدا کند ناچار شد از ده سالگی کار بپردازد. علاوه بر مشاهده رنج و فلاکت توده های مردم و ستمی که بر خود او روا می شد، از طریق مطالعه در خانه و مخفیانه کتاب های بیشتر بارنج انسانها آشنائی پیدا می کرد. او خود می گوید:

"اغلب هنگام مطالعه می گریستم. سرگذشت انسانهایی اندازه تکان دهنده و موثر در نظر من فوق العاده عزیز و گرانی بود. در همان عنفوان جوانی که از زحمت بیبوده آزار می دیدم و یادشام های بی جهت توبیخ می شدم، با خود عهد بستم که به مردم کمک کنم و هنگامی که بزرگ شدم خدمت شرافتمندانه ای برایشان انجام دهم..."

"کتاب می توانست چیزی را که من در انسان ندیده و شناخته بودم آشکار کند..."

"در حدود بیست سالگی دریافتم که چیزهای زیادی دیده و تجربه کرده و شنیده ام که باید وقتی ضروری است که برای مردم حکایت کنم..."

او در این موقع بعنوان یک قصه گو در میان کارگران بندر، نانوایان، نجارها، کارگران راه آهن و مردم خانه بدوش، یعنی همان مردم محرومی که در میان نشان زندگی می کرد، شهرت پیدا کرده بود. گورکی برایشان کتاب هایی را که خوانده بود بصورت قصه نقل می کرد و در ضمن شاخ و برگ هایی از خود به آنها اضافه می کرد و تخیلاتی در آنها می داد. او اندک اندک شروع به سرودن شعر کرد، اما از زمانی شخصیت واقعی خود را پیدا کرد که به نوشتن داستان پرداخت. چیزی که در شکل گرفتن شخصیت گورکی نقش تعیین کننده داشت، ملاقات او با لنین بود. پیش از آشنائی با لنین، گورکی درک درستی از مبارزه طبقاتی نداشت. در آثار اولیه او، بدبینی و ناامیدی دیده می شد و حتی گورکی یکبار از فرط یأس و سرخوردگی دست به خودکشی زد. در اثر اصابت تیز به ریه اش، تا آخر عمر از ناراحتی ریه رنج می برد و مرگ او نیز بخاطر همین بیماری بود. اما پس از آشنائی با لنین، طرز فکر او کلی عوض شد. لنین توانست از یک هنرمند سرخورده و رمانتیک، گورکی مبارز و متعهد را بسازد که چنان نقش بزرگی در پایه گذاری رئالیسم سوسیالیستی داشت.

از آن پس گورکی در مبارزات سیاسی نیز نقش فعال تری پیدا کرد. در زندگی گورکی میان کار، هنر و مبارزه پیوندی استوار برقرار شده بود. او و سالهای زیادی را در تبعید در اروپا بسر می برد و در داخل روسیه نیز اکثر اوقات تحت نظر بود. گورکی با عقیده کسانی که فکر می کردند یک هنرمند فقط باید به هنرش بپردازد، سخت مخالف بود. او یک بار در جواب نویسنده ای که مدعی بود:

"زن، بچه ها و کودکانی که در راه است و از همه مهمتر، بار وظایف عمومی..." و قتل را زیاد اغفال می کند، باریشند گفت:

"درباره خود باید بگویم که من هیچوقت خود را "فقط یک نویسنده" احساس نکردم. من در تمام مدت زندگانی به طرق مختلف در فعالیتهای اجتماعی شرکت داشته ام و امروز هم علاقه ام را به چنین کارهایی از دست ندهم. نویسندگان جوان اغلب ناله می کنند که "وظایف کم اهمیت اجتماعی وقت زیادی را می گیرد و مانع افکار خلاق می شود" و شکوه هایی از این قبیل دارند، من این شکوه ها و ناله ها را بی اساس می دانم. حتی کمترین کار عمومی نمی تواند بی نتیجه باشد. اگر شما حیاطی را تمیز جازو بکنید با این کار مانع می شوید که گرد و خاک داخل ریه بچه ها بشود..."

در مورد آثار گورکی گفته شده است که این آثار سرآغاز مرحله ای نوین در تکامل ادبیات جهان بوده اند، یعنی مرحله رئالیسم سوسیالیستی که با ظهور نخستین جامعه سوسیالیستی در جهان مطابقت دارد، البته ضرورتی ندارد که جامعه حتماً سوسیالیستی شود تا ادبیات سوسیالیستی بوجود آید.

ما قبل از درباره شباهت ها و تفاوت های رئالیسم انتقادی و رئالیسم سوسیالیستی با یکدیگر توضیح دادیم، در رئالیسم انتقادی گاهی گرایش به سوسیالیسم و پذیرش آن دیده می شود و در رئالیسم سوسیالیستی نیز همواره حالت انتقادی دارد. خواه انتقاد از سرمایه داری و خواه انتقاد از جامعه سوسیالیستی بصورت "انتقاد از خود" سازنده تفاوت آنها بیشتر در طرز فکر و جهان بینی است تا در سبک و روش.

### شعری از زبان افراشته

یا آیه قرآن ز لب خالق ذوالمن این بود که دق مرگ شدم من می کرد ستالین به جهان یک نظر ایکاش می گفت به این حزب به صدتندی و پرخاش "من کی به تو گفتم که بیانوگر من باش؟ نوکر صفتی ماهیت تست یقینا." این بود که دق مرگ شدم من از قول من امروز به احیاب بگوئید جان آبی، دست از این حزب بشوئید بهبودی و اصلاح از یک مرده موجود پس چوب بر این مرده زدم بنده کرارا زان روست که دق مرگ شدم من	یکجند نکردم به خود حزب اهانت گفتم غلطی کرده ولی نیست خیانت تا آنکه دگر پاک مسلم شد و روشن این بود که دق مرگ شدم من حزبی که سرانش همه گشتند فراری این توده را هر که دوخودش شد متواری آن عفو طلب کز به صدخفت و خواری رفت از صف مردم به صف لشکر دشمن این بود که دق مرگ شدم من حزبی که مراش همه دنیا لوری بود هر کار که می کرد به امر آبی بود امر آبی همچو حدیث نبوی بود.	چرامن دق مرگ شدم؟ مردم من و شد ساخته بسیار حکایات تعبیر فراوان شد و اقوال و روایات گفتند پس از در بدری توی ولایات سیر آدمم از غربت و از دوری میهن این بود که دق مرگ شدم من اما، رفقا، مرگ من اینطور نبود غربت اثری هیچ به حال نموده شد قاتل من رهبری خائن توده دیدم که به پای که هدر شد هنر من این بود که دق مرگ شدم من من با همه رندی و آن هوش و فطانت
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

## افزایش قیمت ها باری بردوش زحمتکشان

بقیه از صفحه ۱

خود را بیشتر بپرکند. این وضعیت که هر سرمایه دار در پی سود بیشتر است باعث می شود که هر چه و مرجی بر اقتصاد حاکم باشد و قانون عرضه و تقاضا بار بار تنظیم کننده باشد، در نتیجه جامعه به هزاران درد مبتلاست. یکی از بیماریهای علاج ناپذیر آن افزایش قیمت کالاها و کاهش ارزش پول است که به آن " تورم " می گویند.

همه ما شاهد بوده ایم که بخصوص از چند سال پیش روزی نمی گذرد که قیمت کالاها بالا نرود. امروز قیمت یک کالای پنج تومان است، مدتی بعد ۵۵ ریال و چند ماه بعدش تومان. قیمت گوشت چند ماه پیش کیلویی ۲۰ تومان بود امروز ۳۰ تومان است. چند سال پیش یک کارگر با روزی ۳۰ تومان که بعنوان مزد دریافت می کرد می توانست زندگی بخور و نمیری داشته باشد. اما در روز های آخر حکومت ننگین شاه ۳۰ تومان دیگر ارزش چند سال پیش را نداشت و کارگر می بایستی این پول را فقط خرج شام خود و خانواده اش می کرد. بنابراین می بینیم که در مدتی کوتاه چگونه ارزش پول پایین آمد و قیمت کالاها بالا رفت. بیشترین بار تورم بردوش کارگران است، چرا که کارگران با مزد ناچیز و تقریباً ثابت خود فقط می توانند حداقل کالاها و وسایل مورد نیازشان را تأمین کنند و گرانی بیشترین فشار را بر آنها وارد می آورد. برای پی بردن به این مسئله که چرا تورم باعث فقیرتر شدن کارگران و دیگر زحمتکشان می شود لازمست به بررسی مزد کارگران بپردازیم.

هنگامی که کارگری نیروی کارش را به سرمایه داری فروشد در ازای آن مبلغی پول دریافت می کند که به آن " دستمزد " می گویند. این " دستمزد اسمی " نمی تواند به تنهایی درجه رفاه کارگر را نشان دهد، زیرا در صورتیکه هزینه زندگی و قیمت کالاها مصرفی بیشتر از دستمزد اسمی افزایش پیدا کند، سطح زندگی کارگر تنزل خواهد کرد و فقیرتر می شود. اما در برابر دستمزد اسمی از " دستمزد واقعی " صحبت می شود. " دستمزد واقعی " کارگر آن مقدار کالاها و خدماتی است که او می تواند در ازای دستمزد خود بدست آورد. و تئوریکاً از دستمزد واقعی کارگران صحبت می کنیم باید بخصوص میزان افزایش هزینه زندگی و نرخ تورم را در نظر گرفت. البته عوامل دیگری هم هستند که باید در تعیین دستمزد واقعی کارگران را نیز در نظر گرفت. نظیر مالیات، ساعات کار روزانه، درجه شدت کار و غیره. خلاصه مزد اسمی کارگران مقدار پولی است که در ازای خرید نیروی کار او پرداخت می شود و مزد حقیقی کارگر قدرت خرید مزد اسمی است. حال برای روشن شدن اثر افزایش قیمت ها بر دستمزد کارگران مثالی بیاوریم:

فرض کنیم میزان دستمزد اسمی یک کارگر در آغاز سال ۳۵۰ روزانه ۵۰ تومان بوده که با این پول می توانسته زندگی بخور و نمیری داشته باشد. در این سال

متوسط افزایش قیمت ها نزدیک به ۳۰٪ بود. ( یعنی بطور متوسط اجاره مسکن، قیمت مواد غذایی، پوشاک و سایر اجناس ۳۰٪ ترقی کرد ). اگر مزد این کارگر در پایان سال پانزده تومان افزایش یافته باشد (  $15 = 30\% \times 50$  ) دروضع زندگی او هیچگونه تغییری حاصل نشده است. یعنی این کارگر با ۶۵ تومان دستمزد روزانه تنها قادر است همان مقدار کالاها و مایحتاجی را در بازار بخرد که در ابتدای سال با ۵۰ تومان می خرید. اما اگر مزد اسمی کارگر تنها ۵ تومان افزایش یافته باشد و در آخر سال روزانه ۵۵ تومان مزد بگیرد عملاً مزد واقعی او تنزل کرده و وضع زندگی او بدتر شده است. با این مثال روشن می شود که چگونه تورم منجر به فقر روزافزون کارگران و زحمتکشان می شود. زیرا بندرت اتفاق می افتد که دستمزد به همان نسبت ترقی قیمت ها افزایش یابد. اما وضع سرمایه داران فرق می کند. آنها با افزایش قیمت ها سودهای بیشتری به جیب می زنند و ثروتمند تر می شوند زیرا قیمت کالاها می که در کارخانه های آنها تولید شده ترقی می کند. آنچه که تاکنون در مورد تورم و تاثیر آن بر زندگی زحمتکشان گفتیم در مورد همه کشورهای سرمایه داری صادق است. منتها در کشورهای مختلف سرمایه داری شدت وضع دارد. در یک کشور تورم شدیدتر است و در دیگری خفیف تر. در کشور ما بدون شک گرانی سرسام آور کالاها می مورد نیاز زحمتکشان و بالارفتن هزینه زندگی یک مشکل همگانی است، چه کسی است که در برابر افزایش سریع قیمت ها شکوه نکند؟ بجز یک اقلیت مرفه و ثروتمند، اکثریت عظیم مردم میهن ما نمی توانند زندگی خود را تأمین کنند. گرانی قیمت ها منجر به فقر روزافزون میلیونها نفر از زحمتکشان و ثروتمند تر شدن سرمایه داران وابسته شده است. افزایش سرسام آور اجاره مسکن در چند سال گذشته به حدی رسید که صدها هزار نفر از زحمتکشان را بر زندگی در زاغه ها مجبور کرده است. دیده ایم که در سال های اخیر چگونه هر روز یکی از کالاهای مورد نیاز زحمتکشان کمیاب می شود و قیمت آن در بازار سیاه بشدت بالا می رفت. برای اینکه پی ببریم که چه رابطه ای بین این تورم افسار گسیخته و سیاستهای رژیم دست نشانده پیشین در جهت خدمت به امپریالیسم و سرمایه داران وابسته داخلی وجود داشته است. لازم است که ( هر چند مختصر ) این مسئله را بررسی کنیم.

سرمایه داری وابسته ایران با هزاران رشته به امپریالیسم جهانی، بخصوص امپریالیسم آمریکا وابسته است. بنابراین این باید مسئله تورم را عمدتاً در رابطه با وابستگی اقتصاد جامعه ما در نظر گرفت. کشورهای امپریالیستی به علل مختلف که در اینجا فرصت بحث در مورد آنرا نداریم، با تورم مداومی روبرو هستند آنها کوشش می کنند که فشار تورم را به کشورهای تحت سلطه خود منتقل کنند.

تورم موجود در کشورهای امپریالیستی به کشورهای نظیر کشور ما منتقل شده است. ورشکستگی کشاورزی ایران که خود ناشی از وابستگی به امپریالیسم و سیاستهای اقتصادی رژیم شاه بود، موجب کمیاب شدن بسیاری از کالاهای مورد نیاز مردم و بالارفتن قیمت آنها شد. سرمایه گذارهای سرمایه داران خارجی و شرکای داخلی آنها که بدون توجه به نیازهای اقتصادی جامعه ما و مصرف برای بدست آوردن سودهای کلان بود، موج تورم را گسترش داد. افزایش سریع قیمت نفت در حالی که درآمد آن به جیب امپریالیستها و شرکای داخلی شان می رفت و یاد جهت منافع آنها صرف می شد، نه تنها باری ازدوش توده ها برداشت و باعث رفاه آنها نشد بلکه برعکس با خرید کالاهای خارجی و تسلیحات، باعث افزایش قیمت ها و فقر هر چه بیشتر توده های مردم شد. بخش عظیمی از این درآمد نفت صرف گسترش ارتش، هزینه های تسلیحاتی و ایجاد یک دستگاه اداری عریض و طویل شد.

این امر باعث شد که بجای اینکه درآمد نفت در بخش های تولیدی که برای جامعه مفید است بکار افتد، در بخش های غیرتولیدی صرف شود. در حالیکه میلیاردها تومان پول بعلت این دستگاه اداری و نظامی در بازار ریخته شده بود، تولیدی که جوابگوی آن باشد وجود نداشت و در نتیجه کالاها و اجناس کمیاب می شد و قیمت های آنها سرعاً بالا می رفت. بیاد بیاوریم شهرهای راکه قبلاً در آنجا ارتشی وجود نداشت، اما پس از اینکه پادگانهای در آن شهر بوجود می آمد، مردم غالباً می گفتند از روزی که ارتش به اینجا آمده همه چیز گران شده است. البته این تمام مسئله نیست، بلکه تنها بیانگر بخشی از مشکل گسترش ارتش و دستگاه اداری و هزینه های مربوط به آنها بود. یک عامل دیگر این بود که پول کشور مایه دلار وابستگی دارد. هرگونه کاهش ارزش دلار آمریکا که در سالهای اخیر مدام کاهش یافته است، باعث تضعیف ریال و در نتیجه کاهش قدرت خرید زحمتکشان می شد. سرمایه گذارهایی که در بخش خدمات بخصوص ساختمان، جاده سازی، فرودگاهها، بنادر و غیره صورت می گرفت بدون جوابگویی بخش تولید و کالاهای مصرفی از عوامل دیگر تورم بود. سرمایه هائی که در خرید و فروش املاک و زمین بحریان افتاد ( بورس بازی ) و رونق این بخش که باعث بالارفتن قیمت زمین و ساختمانها شد، بازم به بالارفتن قیمت ها دامن زد. این عوامل و عوامل دیگر تورم افسار گسیخته ای را در کشور ما بوجود آورد. قیمت ها بالارفت، قدرت خرید مردم زحمتکش کاهش یافت و باعث فقر هر چه بیشتر کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان شد. آنچه در بالا گفته شد، نشان می دهد که در یک کشور سرمایه داری وابسته مسئله

در لحظاتی که " کابینه سابه " سرمایه خود را بر کابینه دست نشانده آقای بختیار انداخته بود و طرح انتقال گام به گام قدرت را، دستور کار خود قرار داده بود. در لحظاتی که شاه در رفته بود و همه می دانستند که برگشتی نیست، در لحظاتی که بلا تکلیفی بر همه ارگانهای سرکوب رژیم شاه سایه افکنده بود و ناتوانی آنها در سرکوب مبارزات اوج یابنده خلق قهرمانان به اشاعت رسیده بود. در لحظاتی که کفه های ترازو رو در روی یکدیگر نوسان می کردند و بایست و بالا می رفتند، یعنی لحظاتی فرارسیده بود که دینوری درگیر با یکدیگر به تعادلی ناپایدار رسیده بودند، نه دولت و رژیم بوسیده شاه سابق توان پایداری داشت و نه خلق سبب بر خوردار نبودن ارتشکشان یا رهبری قاطع و انقلابی توان تهاجم و تصرف

قدرت دولت را داشت، در گوشه و کنار مملکت در کارخانه ها و روستاها، در دانشگاهها و ادارات بطور خود بخودی نطفه ها و کال جنینی حاکمیتی شکل گرفت و جوانه زد که بانام " شورا " جای خود را در فرهنگ لغات مبارزات خلق مبار کرد. شوراهای کارگری ( بابه اصطلاح مناطق شمال غربی کشور " کمیته های کارخانه " )، شورای روستائی، شورای سربازی، شورای دانشگاه، شورای شهر و محله، همه و همه لغات و

تورم را باید در رابطه با وابستگی اقتصادی و سیاسی کشور توضیح داد. به این دلیل راه حل انقلابی برای ازمیان بردن جریان اصلی تورم، تنهایی توند قطع کلیه رشته ها و شاخک های وابستگی ایران به امپریالیسم جهانی باشد. اما به هر حال تورم بیماری علاج ناپذیر هر جامعه سرمایه داری ( چه وابسته و چه غیر وابسته ) است که در جوامع وابسته شدت می یابد. تورم در ذات نظام سرمایه داری نهفته است. توده های مردم در کشورهای سرمایه داری کم و بیش با این پدیده روبرو هستند. اشتباه است اگر تصور کنیم با سرنگونی رژیم دست نشانده شاه مسئله گرانی کالاها و مصرفی و تورم اقتصادی بکلی از بین خواهد رفت. ما امروز شاهدیم که قیمت برخی از کالاها با زهم افزایش یافته است. اما اگر بفرس دولت متوسل به سیاستهای ضدتورمی شود، و بتواند قیمت کالاها را کاهش دهد، با زهم این کاهش قیمت ها زودگذر است و به زودی سیر افزایش قیمت ها آغاز می شود. بنابراین مادام که نظام سرمایه داری وابسته ناپود نشود، تورم نیز وجود خواهد داشت. تنها در جامعه ای که طبقه کارگر حاکمیت سیاسی را در دست داشته باشد و با برنامه ریزی دقیق اقتصادی، هماهنگی بین تمام زمینه های اقتصاد، بین تولید و مصرف، بین صنایع و کشاورزی و همچنین بین صنایع مختلف را برقرار کند و شرعاً عناصر مفت خور و سود جو را از سر جامعه کم کند، میتوان تورم را بکلی از بین برد و در جهت رفاه زحمتکشان تلاش کرد.

## کار

اصطلاحاتی است که به دفعات شنیده شده است. خلاصه قدرت از یک طرف. اوج گیری مبارزات سیاسی و تهاجمی و لزوم اشغال مواضع و سنگرهای خالی شده از طرف دیگر خلق مبارز آن داشت که تشکیل می دادند. با سپید آمدن و بدین ترتیب شوراها اکثر از بیطن " کمیته های اعتماس " بیرون آمدند. با پیروزی قسام بهمن ماه در هر حاکم بگری خالی شده بود. در هر حاکم سرمایه داری گریخته بود. در هر روستائی که زمیندار بزرگش قرار را برقرار ترجیح داده بود، در هر پادگانی که فرماندهش گریخته بود یا کشته شده بود، شورائی بوجود آمد یا کمیته ای شکل گرفت تا خلاصه قدرت را ببرد. کنترل و نظارت خود را اعمال کرد. خواسته های اقتصادی و سیاسی خود را مجدانه بگیری کرد. با روسه مقابله کرد.

## شورا و سندیکا

" مردم با استفاده از آزادی مستقلاً به شکل خویش پرداختند. سازمان عمده کارگران و دهقانان که اکثریت قاطع جمعیت روسیه را تشکیل می دهند، شورا های نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان بود. تشکیل این شوراها از همان روزهای انقلاب ... آغاز شد و چند هفته پس از آن در اکثر شهرهای بزرگ روسیه و در بسیاری از شهرستانها همه افراد آگاه و پیشرو طبقه کارگر و دهقان در شوراها گرد آمدند. "

" شوراها کاملاً آزادانه انتخاب می شدند، سازمانهای حقیقی توده های مردم یعنی کارگران و دهقانان بودند. " شوراها سازمانهای حقیقی اکثریت عظیم مردم بودند. "

این شوراها که از بیطن مبارزات سیاسی و در بی اشغال مواضع ترک شده از طرف دشمن شکل گرفت، نمی توانست منطبق بر ضوابط و قوانینی باشد که در گذشته وضع شده بود و به رژیم سرنگون شده تعلق داشت و عملاً نیز منطبق بر آنها نبود. هر چو که با اعتراض وابستگان و سرسپردگان رژیم سابق که وقیحانه در پی حفظ منافع اربابان بودند روبرو می شد، این افراد را جازو می کرد و قاطعانه بدور می ریخت و حتی به حفاظت و پاسداری مسلحانه از کارخانه، روستا، یا ... می پرداخت، مسلماً چون شوراها بطور خود بخودی بوجود می آیند، ضوابطی بدون ویکسان ندارند و در هر کجا بر طبق نیازهایشان ضوابط و قوانینی وضع می کنند و خود به اجرا در می آورند.

شوراها که دمکراتیک ترین سازمان توده ای و مجموعه ای از عناصر مبارز و صادق بودند، در برگیرنده و شامل همه مبارزین از هر قشر و با هر عقیده و مسلک نیز بودند. کارگر و کارمند، دهقان بی زمین و خرده مالک روستا، افسر و سرباز همه و همه زحمتکشان را در زیر پوشش خود می گرفت. بقولنی شوراها وحدت آزادیخواهان، مدافعین جامعه بی طبقه

زندگی و شخصیت

افرادی که حمله به ستاد آبادان را

رهبری کردند

اگرچه بطور کلی امروز ماهیت آن دسته از نیروهای توطئه گرومجربان دسائس ارتجاع و امپریالیزم برای مردم ما روشن گردیده، در عین حال برای مزید اطلاع هموطنان، درج پاره ای از اطلاعات واصله راضوری می دانیم:

"علی محمدی": نامبرده عامل تحریک و مسبب حمله به ستاد فدائیان است وی شخصا در محل ساختمان ساواک رفقای ما را شکنجه کرده است. آشنایش می گویند: او بعد از اینکه چهار کلاس ابتدایی درس خواند از دوازده سالگی در مسیر آبادان کوبت با قاچاقچیان همکاری می کرد و بعد از آن در گمرک چمدانهای حاوی جنس قاچاق را حمل و نقل می کرد و حق می گرفت. از ۲۲ سالگی دلال موز و میوه جات خارجی شد. در تجارتخانه ای که کار می کرد به دلیل خوش خدمتیهای "نامشروع" به صاحب تجارتخانه، موقعیت خوبی پیدا کرد و عملاً پیشکار حاجی رزازیان شد. (حاجی رزازیان در رژیم گذشته، به جرم دزدی در امور تغذیه رایگان،

بازداشت شده است) علی محمدی قبل از اینکه سرپرست کمیته امام شود، اکثر شبها رادر "نایت کلوب" آبادان عیاشی می کرد. عربده کشی ها و بدمستی های او مشهور است و در این رابطه چندین پرونده در گارد گمرکات دارد. او یکی از عاملین ضرب و جرح کارگران متخصصین پروژه ای است که صورت جلسه حادثه مزبور با امضا فرماندار و دادستان در اختیار کارگران پروژه ایست. علی محمدی از زمان دولت شریف امامی وارد کمیته شد و اکنون سرپرست کمیته امام است.

"حاج خرمی": مردم می گویند: "حاج خرمی مبلغ گزافی را برای حمله به متخصصین دیپلمه و بیورش به ستاد فدائیان در اختیار دوتن از وابش این شهر به نام های غلام و مجید گذاشته است." حاج خرمی یکی از زمینخواران معروف آبادان است که مدت مدیدی عضو انجمن شهر آبادان بوده است و قبل از قیام حدود ۳۵ میلیون تومان ارز خارج

کرده است. او در تصرف و تصاحب منازل صغیران و در ماندگان، شریک و دستیار بامداد (دادستان سابق این شهر) بوده است. او روزهای اول بعد از قیام، در کمیته نفوذ کرده بود که با افشاکاری کارمندان آگاه بانک ملی نتوانست به مسئولیتی دست پیدا کند. ولی همچنان در حاشیه کمیته قرار دارد. کارمندان دارای آبادان از زد و بندهای او بخوبی اطلاع دارند. وی در روزیکه به ستاد فدائیان حمله کردند جزء مهاجمان بوده است.

"مهندس بان": بان که کارمند پالایشگاه آبادان می باشد، رهبری افراد مسلح راهنگام حمله به ستاد فدائیان به عهده داشته است. سایر اطلاعاتی که از ایشان و سایرین داریم فعلا قابل ذکر نیست. ولی در موقع مقتضی به اطلاع هم میهنان عزیز خواهیم رساند.

یادآوری می کنیم که: آقای امیر انتظام برغم تمایلات خود و به استناد گفته های گزارشات چنین افرادی، درباره ۴۱ فدائی سخن می گفت.

دهقانان گفتند برای گرفتن زمین

باید جنازه ما را از روستا خارج کنید

در تاریخ ۳ اردیبهشت سربازی برگ اخطار به ۵ نفر از نمایندگان شورای روستای نوده راه ده آورد که در آن آمده بود: "روستائیان (۵ نفر) برای رسیدگی به وضع شکایات زمین در تاریخ ۶ اردیبهشت به کمیسیون شهرستان بابل خود را معرفی نمائید، در غیر این صورت مجازات کیفری خواهید شد" از آنجائیکه این برگ ها هیچ نوع مارک، مهر یا علامتی که دال بر تأیید از طرف یک مرجع صالح باشد به همراه نداشت و ما مور نیز ناشناس بود از اینرو به برگه ها اهمیتی ندادند. تا اینکه در غروب روز ۵ اردیبهشت جلسه ای تشکیل شده همه اهالی روستا در آن شرکت کردند، پس از نظرخواهی از مردم به این نتیجه رسیدند که بایستی به کمیسیون بروند البته نه پنج نفر بلکه همه قرار شد که صبح پنجشنبه ساعت ۶ از روستا به صورت دسته جمعی حرکت کنند.

روز پنجشنبه روستائیان بانظرم خاصی به بابل وارد می شوند. در کمیسیون فقط پنج نفر را خواستند. اما روستائیان حاضر نشدند که فقط با پنج نفر صحبت شود، از اینرو قرار شد که پنج نفر، پنج نفر

بهایند و صحبت کنند. در کمیسیون یک روحانی به نام شیخ فیروز جاشیان از روستائیان سؤال می کرد. چون در سؤال و جوابها بیشتر جانب مالکین را می گرفتند عاقبت روستائیان گفتند که: "ما کشتکار زمین بودیم و حالا هم هستیم. اما این سرمایه داران رادحق نمی دانیم، شما چه کاری برای ما انجام می دهید؟" شیخ فیروز جاشیان جواب داد: که چون قانون جدید هنوز نیامده، قانون سابق معتبر است و زمین متعلق به صاحبان شرکت است، که یک روستائی حرف او را قطع کرد و گفت: "پس چرا اینهمه کشته دادیم؟ برای اینکه زیر بار زور برویم؟... روستائی دیگری گفت: "اگر جنازه ما را از روستا خارج کنید می توانید صاحب زمین شوید و در غیر این صورت محال است دولت هم سه راه دارد:

۱- همه روستائیان را بخاطر دونفر سرمایه دار تیرباران کند.  
۲- زمین را به روستائیان بدهد.  
۳- حکم آوارگی ما را امضاء کند.

مالک:

کمیته ها از ماست و شما دهاتی ها هیچ کاری نمی توانید بکنید

آمل - در تاریخ ۳ اردیبهشت عده ای از روستائیان تهن جار به شهر آمل آمدند و در مقابل دادگستری دست به راهپیمایی زدند و در حالیکه شعاری دادند به طرف شهرداری رفتند و در آنجا متحصن شدند. روستائیان می گویند:

ما میخواستیم کدخدای ده را عوض کنیم و کدخدایم با فشاری می کرد که مجدداً انتخاب شود. از آنجائیکه روستائیان دیگر نمی خواستند زیر بار زور و قلداری کدخدای سابق ده بروند، بین روستائیان و کدخدایان عوامش درگیری پیش آمد.

روستائیان به شهر آمدند و به کمیته شکایت کردند. اما کمیته به هواداری از کدخدا پرداخت و اهالی را مقصر شمرد. آنان را بازداشت کرد. بعد از هریک از افراد بازداشتی مبلغ ۱۵۰۰ تومان گرفتند و آنها را آزاد کردند.

در پی این درگیری یکی از مالکان محل بنام مهدوی گفت: "کمیته ها از ماست و شما دهاتی ها هیچ کاری نمی توانید بکنید". از طرفی یکی از فرزندان همین شخص در روز دوشنبه ۳ اردیبهشت با

در دشت مغان چه میگذرد؟

در دشت مغان فتوایهای سابق زمین ها را از دست روستائیان و کارگران خارج و آنها را خود تصاحب کردند. برای مثال در یک شرکت سهامی زراعی ۹۰۰ کارگر را اخراج کردند. کارگران می گویند که رئیس کمیته امام که به دشت مغان آمده از جانب خود به طرفداری از فتوایها نامه ای نوشته مبنی بر اینکه هیچکس زمینی را غصب نکرده است. این نامه در رادیو و تلویزیون هم پخش شده است. اضافه می کنند:

"تاکنون فتوایها بالای سر ما می ایستادند و ما را به کار می کشیدند و اکنون که انقلاب شده عوض اینک از بدبختی بیرون آئیم ما را از شرکت بیرون کرده اند. در حالیکه چندین سال است که ما روی این زمینها جان می کنیم. مگر ما چه می خواستیم؟ حداقل خواست ما این بود که بگذارند کارکنیم و زندگی اهل و

دهقانان به کشت دستجمعی و مشترک پرداختند

اتحادیه دهقانان قریه الک منطقه بیلوار کامیاران کشاورزان و خوش نشینهای زحمتکش قریه "الک" حوزه بیلوار بخش کامیاران که سالها از طرف مالکهای عمده و ستمگر مانند علیرضاخان مشهور به (والی خان) سنجگی مورد ظلم و چپاول قرار می گرفتند پس از مذاکرات و همکاری فراوان به این نتیجه رسیدند که تا وقتی باید یکدیگر متحد نشوند و اختلافات را کنار نگذارند نمی توانند از حقوق خود دفاع کنند. از اینرو تصمیم به تشکیل شورای دهقانی گرفتند و با همکاری اتحاد یکدیگر، کلیه زمینها و مراتع غصب شده زحمتکشان را که در حدود ۹۰۰ خروار بذر، زمین زیر کشت و تعدادی چاه آب و چندین هکتار باغ میوه است مجدداً

برای بهره برداری خود دهقانان یعنی صاحبان واقعی زمینها تصاحب کردند. شورای دهقانی بارضایت مردم تصمیم گرفت که چند سال زمینها از طرف کلیه اهالی و بخصوص روستائیان بی زمین بصورت دسته جمعی و مشترک کشت شود و از طرفی برای مقابله با حمایت مالکین از یکدیگر که روستاهای دیگر نواحی را غصب کرده بودند، روستائیان، اتحادیه دهقانی "یکه تی جوتیاران" را تشکیل بدهند و از سایر دهقانان زحمتکش روستاهای این منطقه و از قبیه زحمتکشان بخواهند با اتحادیه دهقانان بیلوار همکاری کنند. در ضمن پشتیبانی کامل خود را از اتحادیه های دهقانان مریوان، اورامان و کشاورزان ستمدیده ارومیه (رضاییه) و سلماس (شاهپور) اعلام کردند.

خواستهای چند روستای تابع شهرستان فومن

روستاهای "شالده"، "حلقه بسته" و "از بر" طی یک قطعنامه و روستائی "دوبخش" در نامه ای خطاب به نخست وزیر خواستهای خود را از دولت موقت تنظیم و مطرح کردند.

خواستهای مشترک و مهم آنها از این قرار است:

۱- دادن وامهای بدون بهره و طول مدت و لغو بدهی های کشاورزان به شرکت تعاونی، بانک کشاورزی و سایر شرکتها.

۲- لغو باقیمانده قروض بازرخیز زمین ها و دادن سند مالکیت به کشاورزان.

۳- سپردن اداره امور روستا به شورای منتخب دهقانان.

۴- تهیه سم و کود شیمیائی و نامین ماشین آلات کشاورزی.

۵- ایجاد امکانات رفاهی.

روستائیان ارگند سفلی چه میگویند

روستائیان ستمدیده ارگند سفلی از تواع صحنه که بعد از سرنگونی رژیم پهلوی برای احقاق حقوق خود و نجات از ظلم و ستم و فشار و محرومیتی که از جانب مرتضی احمادی، مالک ناحق زمینهای روستا به آنها تحمیل می شد شکایتی تسلیم دادگاه و کمیته اسلامی کرمانشاه کردند ولی گذشته از بی توجهی نسبت به خواست ایشان، ایادی مرتضی احمادی مستقر در کمیته صحنه هشت تن از اهالی شرافتمند و آزاده روستا را دستگیر کردند و بدون بازجویی به زندان انداختند اهالی این روستا ضمن محکوم کردن این

اعمال، خواستهای خود را از مقامات مسئول به این شرح مطرح کردند:

۱- آزادی بی قید و شرط هشت دستگیر شدگان.

۲- بازگرداندن بدون قید و شرط زمینهای غصب شده به دهقانان و اجرای یک اصلاحات ارضی واقعی.

۳- ماهرگونه قدرت طلبی و تفرقه اندازی را در صفوف متحد خلق های ستمکش محکوم می کنیم و آنرا دسیسه اربابان و دشمنان خلقهای میهنمان می دانیم.

## اقتصاد سیاسی

## خصوصیت کالا چیست؟

در شماره پیش تحت عنوان "کالا چیست؟" به بحث در مورد کالا پرداخته و تشریح کردیم که کالا محصولیست که به بازار عرضه شده و "بوسیله خواص خویش یکی از نیازمندیهای انسان را بر می آورد" همچنین به بررسی شرایط پیدایش تولید کالائی پرداختیم و اشاره کردیم که تولید کالائی بر تقسیم اجتماعی کار در جامعه و مالکیت خصوصی ابزار تولید مبتنی است. حال می خواهیم ببینیم خصوصیت یک کالا چیست؟

یک محصول برای اینکه کالا باشد باید بعضی از خواستههای انسانی را تامین نماید. عبارت دیگر برای مصرف کننده فایده داشته باشد. این فایده یعنی خصوصیت کالا در دفع نیازمندیهای انسان را ارزش مصرفی کالائی نامند. کفش، لباس، نان یا هر چیز دیگری که احتیاجات مردم را برطرف می سازد بوسیله کار انسانها ساخته می شود. کار وقتی در کفش، لباس و یا نان متجلی می شود این محصولات را به کالاهای ارزشمندی برای مصرف دیگران که به آنها نیاز دارند تبدیل می سازد. یعنی عبارت دیگر ارزشهای مصرف بوجود می آورد. با این حساب می توان گفت که ارزش مصرفی عبارتست از فایده ای که یک شیئی برای انسان دارد.

محصولات کارزم در اقتصاد طبیعی که محصول برای مصرف و نه مبادله تولید می شود و هم در اقتصاد سرمایه داری که کالا برای مبادله و فروش در بازار تولید می گردد، خواستههای گوناگون انسانها را برآورده می سازند. پس به هر صورت دارای ارزش مصرفی می باشند. مثلا پارچه ئی را که یک دهقان با وسائیل ابتدائی می بافد و از آن لباس دوخته و می پوشد چون نیازی برای برمی آورد دارای ارزش مصرف است. همچنین اگر این لباس به بازار عرضه می شد یعنی بصورت کالائی آمد، بازم چون پاسخگوی نیاز انسان دیگری است دارای ارزش مصرف است، ولی در این حالت یعنی موقعیکه محصول برای فروش در بازار تولید می شود (کالا) ضمن حفظ ارزش مصرف خصوصیت بسیار مهم دیگری هم بدست می آورد. این خصوصیت این است که کالای مزبور قابلیت مبادله با کالاهای دیگر را هم پیدامی کند. مثلا پنج متر پارچه با یک گونی آرد مبادله می شود، یا یک گونی آرد با یک جفت کفش مبادله می گردد. از اینجابه این نتیجه مهم می رسم که در تولید کالائی بین ارزشهای مصرفی گوناگون به نسبت معینی مبادله انجام می گیرد. نسبتی که به آنوسیله یک ارزش مصرفی با ارزش مصرفی دیگر مبادله می شود، ارزش مبادله (ارزش) نامیده می شود. از این روی یک کالا دارای دو خاصیت می باشد. ارزش مصرف و ارزش (ارزش مبادله).

## درباره حزب طبقه کارگر

(۳)

دهند. زیرا آنها همه به یک طبقه واحد خدمت می کنند که طبقه پرولتر هاست سؤال می شود که چه کسی آن خط مشی و جهت عمومی را که همه سازمانها باید در آن جهت عملیات خود را اجرا نمایند تعیین می کند؟ کجاست آن تشکیلات مرکزی که نه فقط در نتیجه داشتن تجارب لازم بتواند این خط مشی عمومی را تدوین کند، بلکه علاوه بر آن، آن قدر نفوذ داشته باشد که بتواند همه این سازمانها را وادار کند که خط مشی را اجرا کنند و بدین طریق وحدت رهبری را ایجاد کند و نگذارد در کارها وقفه ایجاد شود؟ آن تشکیلات حزب پرولتاریاست. برای این منظور حزب تمام امکانات لازم را دارد. زیرا، اولاً، حزب محل اجتماع بهترین عناصر طبقه کارگر است که این عناصر نیز با تشکیلات غیر حزبی مستقیماً رابطه دارند و غالباً آنها را رهبری می کنند، ثانیاً، حزب چون محل اجتماع بهترین افراد طبقه کارگر است، بهترین مکتب تربیت پیشوایان طبقه کارگر هم هست. یعنی کسانی که لیاقت رهبری انواع شکل های تشکیلاتی طبقه خود را دارند، ثالثاً، حزب که بهترین مکتب پیشوایان طبقه کارگر است، نظریه تجربه و نفوذ خود را یگانه تشکیلاتی است که قادر است رهبری مبارزه پرولتاریا را تمرکز بخشد و بنابراین قدرت دارد که کلیه اقسام و هر گونه تشکیلات غیر حزبی طبقه کارگر را رهبری کند.

حزب عالی ترین شکل سازمانی پرولتاریاست.

حزب مظهر ارتباط دسته پیشرو طبقه کارگر با توده های میلیونی طبقه کارگر است؛ حزب باید با گسترش دادن و استوار کردن ارتباط خود با توده های غیر حزبی اعتماد و پشتیبانی توده ها را بدست آورد. حزب برای اینکه دارای زندگی کاملی باشد و رشد کند باید بر رشته های ارتباط با توده ها بیفزاید و از اعتماد توده های میلیونی طبقه خود برخوردار شود.

برای اینکه حزبی، حزب طبقه کارگر باشد، باید پشتیبانی طبقه کارگر را بدست آورد.

حزب برای اینکه جریان کارش درست باشد و رهبری توده ها را منظم انجام دهد، باید بر مبنای مرکزیت دمکراتیک متشکل شود. دارای آئین نامه واحد، انضباط حزبی واحدی باشد و در راس خود سازمان واحدی بصورت کنگره حزب و در فواصل بین کنگره ها بصورت کمیته مرکزی حزب داشته باشد. اقلیت حزبی باید تابع اکثریت باشد و سازمانهای جداگانه مطیع مرکز و نیز سازمان های پائینی پیرو سازمانهای بالا باشند. بدون این شرایط حزب طبقه کارگر نمی تواند حزب حقیقی بشود و در امر رهبری قادر به ایفای وظائف خود نخواهد بود. این مرکزیت باید دمکراتیک

خودش را درک کند، میتواند طبقه کارگر را به نیروی سیاسی مستقلی تبدیل کند.

حزب پیشاهنگ سیاسی طبقه کارگر است.

حزب به مثابه دسته متشکل طبقه کارگر؛ حزب فقط دسته پیشرو طبقه کارگر نیست. اگر حزب بخواد واقعا مبارزه طبقه کارگر را رهبری کند، باید در عین حال دسته متشکل طبقه خود نیز باشد. وظایف حزب در شرایط سرمایه داری فوق العاده عظیم و گوناگون است. حزب باید بتواند در شرایط بسیار سخت و متشکل مبارزه طبقه کارگر را رهبری کند. در موقعی که اوضاع برای تعرض مناسب است پرولتاریا را به تعرض سوق دهد و در وقتی که عقب نشینی لازم است، کارگران را از زیر ضربه دشمن قوی خارج کند و در میلیونها توده کارگران غیر متشکل و غیر حزبی، روح انضباط و آوازی بر نامه کار کردن و مبارزه و روح تشکیلات و پایداری و متانت ایجاد کند. حزب در صورتی می تواند این وظایف را انجام دهد که خود مظهر انضباط و دسته متشکل پرولتاریا باشد بدون وجود این شرایط، حزب نمی تواند یک واحد کل متشکل باشد و قابلیت رهبری منظم و متشکل مبارزه طبقه کارگر را نخواهد داشت.

حزب دسته متشکل طبقه کارگر است.

حزب به مثابه عالیترین شکل سازمان طبقاتی پرولتاریا؛ حزب دسته متشکل طبقه کارگر است. ولی حزب تنها سازمان طبقه کارگر نیست. پرولتاریا دارای یک سلسله سازمانهای دیگر هم هست که بدون آنها نمیتواند با سرمایه مبارزه موفقیت آمیزی بکند اتحادیه های کارگری، تعاونی ها، سندیکاها، اتحادیه های غیر حزبی زنان، سازمانهای فرهنگی و آموزشی، سازمان جوانان، شوراهای نمایندگان و غیره. اکثریت عظیم این سازمانها غیر حزبی هستند و فقط بعضی از آنها مستقیماً به حزب مربوط می شوند و با از شعبات آن هستند. تمام این سازمانها در شرایط معینی برای طبقه کارگر مطلقاً لازم اند. زیرا بدون آنها تحکیم مواضع طبقاتی پرولتاریا در رشته های مختلف مبارزه غیر ممکن است. زیرا بدون آنها محال است پرولتاریا را بصورت نیرویی که بتواند رژیم بورژوازی را به رژیم سوسیالیستی تبدیل کند، آید پدید کرد. ولی آیا با وجود این کثرت تشکیلات و این همه سازمانهای مختلف چگونه میتوان وحدت رهبری را ایجاد کرد و رهبری واحد داشت؟ چه چیزی تضمین می کند که تعدد تشکیلات موجب تشتت در عمل و رهبری نخواهد شد؟ ممکن است بگویند که هر یک از این سازمانها در رشته مخصوص بخود کاری کند و به این جهت نمی تواند مزاحم دیگری بود. البته این صحیح است. ولی این هم راست است که همه این سازمانها باید کار را در یک جهت جریان

در شماره های قبل گفتیم که طبقه کارگر برای اینکه خود و سایر توده های تحت ستم را از قید استثمار و ستم برهاند، باید تشکیلات سیاسی خاص خود یعنی حزب طبقه کارگر را بوجود آورد و گفتیم که با پیدایش و رشد طبقه کارگر و بوجود آمدن حزب پرولتاریائی (حزب طبقه کارگر)، دوران تاریخی ای آغاز شد که توده های زحمتکش و استثمار شده می توانند با مبارزات خویش استثمار انسان از انسان را نابود کنند و خود را از بند ستم و استثمار برهانند. در این شماره می خواهیم توضیح دهیم که حزب طبقه کارگر چه خصوصیتی دارد.

\*\*\*

نظریه ایجاد تشکیلات سیاسی مستقل کارگران که مسلح به ایدئولوژی طبقه کارگر باشد، نخستین بار از جانب مارکس و انگلس تدوین شد و برای اولین بار در تاریخ این دوره بزرگ کارگران اقدام به ایجاد تشکیلات سیاسی مستقل کارگران که مسلح به کمونیسم علمی بود، کردند. مجدداً نظریه آنان توسط لنین بسط داده شد و کامل تر شد. لنین در دو اثر با ارزش خود "چه باید کرد؟" و "یک گام به پیش دو گام به پس" اصول سازمانی و تشکیلاتی حزب طبقه کارگر را پایه ریزی کرد. بر اساس نظریات لنین بود که حزب بلشویک به وجود آمد، همان حزبی که اولین انقلاب سوسیالیستی را در تاریخ بشریت به پیروزی رساند.

امروز نظریاتی که لنین درباره حزب طبقه کارگر تدوین کرده است، بعنوان پایه و اساس ساختمان تمام احزاب واقعی طبقه کارگر بکار گرفته می شود. یعنی احزاب واقعی طبقه کارگر اصول لنینیستی را مبنای تشکیلاتی خود قرار می دهند. خلاصه نظریات و تعلیمات اصلی تشکیلاتی لنین درباره حزب طبقه کارگر چنین است:

۱- حزب به مثابه دسته پیشاهنگ طبقه کارگر؛ حزب یک قسمت از طبقه کارگر و دسته ای از آن است ولی طبقه کارگر دارای دسته های زیادی است و هر گروه از طبقه کارگر را نمیتوان حزب طبقه کارگر نامید. فرق حزب با سایر دسته های طبقه کارگر پیش از همه در آنست که حزب دسته پیشرو، دسته آگاه، دسته مارکسیست - لنینیست طبقه کارگر است. حزب باید بهترین عناصر طبقه کارگر، تجارب، روحیه انقلابی و صمیمیت بی حد ایشان را نسبت به کار پرولتاریا بخود جذب کند و با آگاهی به زندگی اجتماعی و قوانین تکامل حیات جامعه و دانشش و قواعد مبارزه طبقاتی، طبقه کارگر را هدایت کند و مبارزه اش را رهبری کند.

فقط حزبی که دارای نظریه پیشاهنگ پرولتاریا باشد و قابلیت آنرا داشته باشد که سطح آگاهی پرولتاریا را بالا ببرد بطوری که منافع طبقاتی

# شورای دهقانی

گسترش شوراهای دهقانی گام موثری است در جهت دمکراتیک کردن نهادهای جامعه و در این راه کشاورزان با درک ضرورت وحدت و یکپارچگی به ایجاد شوراهای دمکراتیک دهقانی پرداخته اند. و تاکنون گامهای سازنده ای در این مسیر برداشته اند. اما با همه تلاش روستائیان آنها تاکنون واقعا زمینهای زمینداران بزرگ و تمام عوامل سرسپرده و مزدوران بوسيله کشاورزان اداره میشود؟ این سئوالی است

## وظایف شورای دهقانی، و وظایف دولت در قبال آن

اخیرا از طرف هواداران سازمان آمل طرحی در مورد شوراهای دهقانی به دستمان رسید، با تغییراتی اندک بعنوان تجربه ای آنرا ارائه می دهیم. ضمنا به کلیه هواداران توصیه می شود هر تجربه ای در این زمینه بدست آورده اند برای ما بفرستند تا در آینده بتوانیم همه نظرات و تجربیات را جمع آوری و جمع بندی کنیم و مشکل پربارتری ارائه دهیم.

برای ایجاد شورا در یک روستا ابتدا تعدادی از افراد فعال و روشن بین برای تبادل نظر و بحث درباره علل عقب ماندگی روستا و چگونگی تدابیر انقلابی در جهت پیشبرد هدفهای نوین کشاورزی و تفویض اختیارات روستا به مردم و تصمیم گیری اقدامات عاجل برای اداره روستا گردهم می آیند و با انتخاباتی که از طرف کشاورزان صورت می گیرد، به نسبت جمعیت روستا تعداد کمی نماینده انتخاب می شود. در شورای دهقانی، عقاید و مرام کلیه افراد محترم شمرده می شود و اهالی ده می توانند بطور آزاد نظرات خود را اظهار کنند و اعضای شورای آن تصمیم بگیرند.

۱- بخاطر اینکه شورا باید جنبه محلی خود را حفظ کند، کلیه زحمتکشان روستا می توانند در انتخابات آن شرکت کنند.

۲- اعضاء شورا در یک نشست، با تبادل نظر از بین خود، نمایندگان واقعی شان را برای امور کشاورزی و عمرانی، امور قضائی، امور شهرستان یا استان و غیره انتخاب می کنند. طبیعی است این عده باید کاملا مورد اطمینان شورا باشند. نمایندگان باید هر چند یک بار در محل شورا برنامه هفتگی یا ماهانه خود را برای اعضاء شورا گزارش کنند.

۳- شورا کلیه عوامل بازدارنده و محدود کننده رژیم پیشین را در امور کشاورزی و عمران ده مورد مطالعه قرار می دهد و بعد از شناساندن و افشاگری آنان برای مردم دستشان را از روستا کوتاه می کند و افراد مورد اطمینان و خوشنام را بجای آنان می گذارد.

۴- شورایی بایست در شروع کار، خود در امور تولید کشاورزی تغییراتی در جهت منافع کشاورزان بوجود آورد و با مرحله بندی نیازهای روستائیان آغاز بکار کند. مثلا با پرداختن به مسائل عمده و عاجل کشاورزان از قبیل درآمد کشاورز، آب،

بعلت کمبود ماشین آلات ابزار تولید را عمومی کرد تا کلیه کشاورزان بتوانند از آن استفاده کنند.

در شرکت تعاونی تولید و مصرف اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل و سایر اعضای آن از درون شورا با انتخاب مردم عین می شوند. شرکت موظف است به خواستهای روستائیان اعم از بزرگ و کوچک، سموم نباتی، وسائل کشاورزی، احداث چاه، انبار شالی و غله رسیدگی کند. این نیازها بصورت طرحی با تعیین اولویتها و با برآورد هزینه هر یک از اقلام فوق تنظیم و سپس به دولت تسلیم می شود. دولت موظف است طرح پیشنهادی را بررسی کند و برخی اقلام مانند کود، بذر و سموم را بصورت رایگان در اختیار شرکت قرار دهد و نیازهای دیگر را مانند احداث چاه و تاسیسات و غیره از طریق ایجاد تسهیلات گوناگون مثل وامهای طویل المدت از بانکهای دولتی در اختیار شرکت تعاونی تولید و مصرف بگذارد. واضح است که مسئولیت مهمتر و بازرسی این اعمال همواره بمعده شورا است. ضمنا دولت موظف است محصولات کشاورزی را با قیمت عادلانه چه در زمان رکود و تورم و چه در مواقع معمولی از شرکت خریداری کند.

بذر و کود، کوچک بودن واحد کشاورزی و پراکنده بودن آن، نبودن تعمیرگاه در منطقه و عدم حمایت از محصولات کشاورزی و غیره، به ترتیب اهمیت این مسائل در روستای مورد نظر، نسبت به حل آنها اقدامات سریعی را شروع کند. طبیعی است که این اقدامات باید بطور جدی و با وظایفی که برای مسئولین دولتی محلی در نظر گرفته می شود بطور اساسی دنبال شود.

۵- نقش کار- چون در گذشته و حال کشاورزی بیشتر بصورت تولید خرد بوده است و بعلت کوچک بودن زمین زراعی و بالا بودن قیمت ماشین آلات کشاورزی، افزایش تولید در واحد کشاورزی صرفا اقتصاد دی نداشته (و نیز با تاثیر منفی برخی عوامل دیگر) در بعضی مناطق کشاورزی بازده مناسبی ببار نیآورده، پس ضرورتا در نقاط مشخصی که این عوامل سد راه کشاورزی می شود بهتر است بهره برداری بصورت داوطلبانه و گروهی انجام پذیرد تا کشاورزان با برداشت بیشتر نتایج کارشان دلگرم شوند.

۶- یکی دیگر از وظایف شورادر امر توسعه فعالیتهای کشاورزی، تشکیل شرکت تعاونی تولید و مصرف است.

تاسیس فروشگاه تعاونی در بطن شرکت تعاونی تولید و مصرف است و کلیه مایحتاج روزانه کشاورزان اعم از خواروبار پوشاک و غیره را با قیمت عادلانه در اختیار اعضای شورا میگذارد. ایجاد فروشگاه تعاونی معمولا بکمک دولت امکان پذیر است و اعتبار آن عمدتا از طریق دولت یا بشکل بلاعوض و با بصورت وام بدوین بهره خواهد بود.

لازم به توضیح است که هدف شرکت تعاونی (فروشگاه) عبارتست از فعالیت مشترک برای رفع نیاز مشترک،

مصرف کشاورزان به فعالیت مشترک می پردازند و اراضی پراکنده زارعین که بطور مساوی تقسیم شده بمثابة سهام کشاورزان در شرکت تعاونی تلقی می شود اما میتوان در صورت بهره برداری خصوصی

۱- انحلال سیستم فعلی ادارات دولتی که با شیوه های پوسیده کار خود باعث می شود دهقانان و مردم روستایی هفته ها و گاه ماهها در شهر سرگردان شوند.

۲- انحلال کلیه لایه های فساد رژیم قبلی در ده و ایجاد شورای دهقانی به جای آن.

۳- لغو کلیه بدهی ها و پرداخت وام طویل المدت و بدون بهره.

۴- لغو مالیات استفاده از آب رودخانه جهت امر کشاورزی.

میان دو آب گروهی از اهالی روستای گرک تپه از توابع شهرستان میاندوآب طی قطعنامه ای خواستهایشان را از دولت موقت مطرح کردند.

## خواستههای شورای دهقانی سرآسیاب فرسنگی

کروان - مازار عین سرآسیاب فرسنگی بعد از سالهای سال که بر ما ستم شده و زمین هایمان به دست زمینخواران و دلالان زمین افتاده بود، بعد از مبارزه پیکار مردم میهنمان علیه خاندان کثیف پهلوی و امپریالیسم امریکان تصمیم گرفتیم که زمین هایمان را که سالهای قبل روی آنها زراعت می کردیم باریکتر به تصرف خودمان در آوریم و کشت کنیم. اینکار را انجام دادیم و بیش از هفت هزار کیلو گندم دیم کاری کردیم و نیز ۵۰۰ کیلو گرم سبب زمینی کاشتیم. اینکارها را با دلگرمی به اینکه بتوانیم امتیاز تلمبه عمیقی هم از سازمان آب بگیریم و زمینهایمان را آبیاری کنیم انجام می دادیم ولی استانداری سازمان آب شدیداً با تلمبه زدن مخالفت کرد و اینک مازار عین سرآسیاب فرسنگی در هجدهم اسفند ماه ۱۳۵۷ تشکیل شورای دهقانی داده ایم، خواهشهای ذیل را با مقامات مسئول مطرح می کنیم.

۱- مازار عین سرآسیاب فرسنگی و صریحاً اعلام می داریم که اگر به این خواسته ها پاسخی داده نشد دلیل بر این خواهد بود که دستگاه حاکمه نسبت به زمان استبداد هیچگونه تغییری نکرده است:

۱- امتیاز یک تلمبه عمیق را استانداری سازمان آب به ما بدهند.

۲- از بیست و چهار تلمبه عمیقی که سازمان آب در حوالی روستای مازده است و آب آنرا به کرمان منتقل می کند یک جزء یعنی حدود ده ساعت روزانه از آب مازاد بر مصرفش در اختیار ما بگذارد تا هندوانه و خربزه بکاریم.

۳- شرکت تعاونی روستایی تجدید سازمان پیدا کند و هیئت مدیره آن را زارعین انتخاب کنند.

۴- وامهای طویل المدت به مازار عین داده شود تا بابت گرمی روی زمینهای که با نیروی خودمان گرفته ایم زراعت کنیم.

۵- استانداری از فرمانده پادگان

بدون تامین سود که این کار نیز در جهت قطع دست واسطه ها و نزول خواران خواهد بود.

روستائیان بخوبی می دانند که تاسیس تعاونیها پس از اصلاحات فرمایشی رژیم جنایتکار پهلوی هم مطرح شد که با ایجاد آن در اغلب روستاها علاوه بر اینکه هیچ مشکلی از روستائیان حل نشد، مشکلات بیشتری هم به وجود آمد و واضح است که در سیستم سرمایه داری وابسته رهاشی دهقانان از بند ستم به هیچ وجه امکان پذیر نمی باشد و هم به این علت بود که تعاونیها بعضی قطع دست نزول خواران و واسطه ها خود عاملی برای تشدید این روابط شدند.

۷- شورایی بایست حداقل هر ماه (بنابه ضرورت کمتر یا زیادتر) یکبار ترتیب سخنرانی را بوسیله متخصصین فن در امور کشاورزی و مدیریت کشاورزی از دولت خواستار شود تا روستائیان از مسائل کشاورزی و تعاونیها و چگونگی افزایش محصول و غیره آگاهی بیشتر و درست تری پیدا کنند.

۸- شورا کلیه طرحهای عمرانی و ضروری برای روستا را (مثل جاده، برق، لوله کشی، آب آشامیدنی، بهداشت، مدرسه، درمانگاه، غسالخانه و غیره) طی طرحی بشورای شهرستان یا استان تسلیم می کند و اعتبار لازم را از شورای استان خواستار می شود و دولت موظف به رسیدگی و ایجاد اعتبار لازم و امکانات فنی مخصوص به آن خواهد بود.

۹- لازمست شوراهای روستایی هر بخش و شهرستان بنابه ضرورت حداقل هر ماه یکبار دور هم جمع شوند و مشکلات و نارسائیهای شورای خود را مطرح کنند و تصمیمات لازم را منطبق با نیازهای روستائیان بگیرند.

## فعالیت قیاده موقت علیه دهقانان

نمایندگان "یکه تی جوباران مریوان و ده ورامان" شامل سی آبادی طی نامه ای از شورای انقلاب اسلامی مریوان خواستند تا در اسرع وقت افراد "قیاده موقت" را وادار به ترک خاک آنها کنند در غیر این صورت خود را سا اقدام خواهند کرد.

افراد قیاده موقت در تاریخ ۱۳ فروردین در آبادی "وله زیر" دوفن-علم را گرفتند و کتک زدند. در تاریخ ۱۹ فروردین آبادی "گورگای" را محاصره و به مردم آبادی توهمین های ناشایستی کردند و در بازگشت یکی از اهالی بنام رشید نوروزی را گرفتند و چنان کتک زدند که هنوز حالش بسیار وخیم است. در تاریخ ۲۲ فروردین در قهوه خانه "بیدکه ره" جاده مریوان سنج با اسلحه به بازید ما شین ها و ایجاد مزاحمت برای مردم پرداختند و خطاب به یک مسافر گفتند "شمار می کشیم، تنگت را می بریم" و ضمن تهدید اظهار داشتند که ما به دستور احمد مفتی زاده مامور تعقیب و آزار بعضی افراد هستیم.

بقایای دارو دستهای آزار زانی و عناصر ساواک

۱- انحلال سیستم فعلی ادارات دولتی که با شیوه های پوسیده کار خود باعث می شود دهقانان و مردم روستایی هفته ها و گاه ماهها در شهر سرگردان شوند.

۲- انحلال کلیه لایه های فساد رژیم قبلی در ده و ایجاد شورای دهقانی به جای آن.

۳- لغو کلیه بدهی ها و پرداخت وام طویل المدت و بدون بهره.

۴- لغو مالیات استفاده از آب رودخانه جهت امر کشاورزی.

سالها خون کشاورزان را توی شیشه کرده اند دفاع می کند؟ اگر چنین است پس بخشنامه اخیر دولت چیست؟ در متن بخشنامه صریحاً اعلام شده است که در صورت مشاهده بازپس گرفتن زمینهای بزرگ زمینداران بوسیله دهقانان محروم و ستمدیده، از طرف مامورین و مسئولین دولت، دهقانان تحت تعقیب "قانونی" قرار خواهند گرفت و به مجازاتهای مختلف محکوم خواهند شد و در صورت مقاومت از طریق گروه پاسدار مسلح اقدام به بازداشت آنان خواهند شد و این دم خروسی است که بر کشاورزان پوشیده نیست.





# بمناسبت سالروز تولد کارل مارکس

فلاسفه فقط به انحاء مختلف جهان را توضیح داده اند ولی سخن مارکس پسر فقیر است

بقیه از صفحه ۱

کارل مارکس در پنجم ماه مه (۱۵ اردیبهشت) سال ۱۸۱۸ در شهر ترییر آلمان بدنیا آمد. پدرش وکیل دادگستری بود و خانواده مرفه و با فرهنگی داشت. مارکس تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند و سپس وارد دانشگاه بن شد و بدنال آن در برلین به آموزش حقوق پرداخت و همی آن تاریخ و فلسفه خواند. در ۱۸۴۱ در رشته فلسفه فارغ التحصیل شد. در آن زمان مارکس از نظر عقیدتی هنوز هگل گرا و ایده آلیست بود. او برای تدریس در دانشگاه به بن رفت. اما دولت ارتجاعی که حق تدریس چند پروفسور مترقی را مانند "فویرباخ و برنونباوئر" سلب کرده بود دیگر جایی برای مارکس انقلابی نمی گذاشت. بنا بر این از کار در دانشگاه دست شست. در این هنگام نظریات ماتریالیستی سرعت شکل می گرفت و تکامل می یافت. "فویرباخ" بنابه منتقدی ماتریالیست، اقتصاددار الهیات را آغاز کرد و با انتشار چند کتاب فلسفی ماتریالیستی، اثر بسزایی در تکامل نظریات ماتریالیستی مارکس وانگلس گذاشت. در اکتبر سال ۱۸۴۲ مارکس بدعوت روشنفکران مترقی آن زمان سردبیر روزنامه "راین" شد و ازین به کل رفت. روزنامه راین به هنگام سردبیری مارکس چهره انقلابی بخود گرفت که بدنال آن دیوسانسور پراغ روزنامه آمد و سرانجام دولت تصمیم گرفت که از اول ژانویه ۱۸۴۳ از انتشار آن جلوگیری کند. با وجود اینکه مارکس قبل از موعد از سردبیری کناره گرفت، معیناً در مارس ۱۸۴۳ آنرا تعطیل کردند. مارکس در همین سال بادوست دوران کودکیش "ژنی قنن وستفالن" ازدواج کرد. در پاییز ۱۸۴۳ مارکس به پاریس رفت. تا به همراهی یکی از بارانش مجله انقلابی را در خارج از کشور منتشر کند. این مجله "سالنامه آلمانی - فرانسه" نام داشت که تنها یک شماره منتشر شد. مارکس با مقاله هایی که در این مجله نوشت، با انتقادی بی امان از سزناهای وضع موجود، اندیشه های انقلابی نوی را در معرض افکار عمومی قرارداد و اساساً روی سخن باتوده ها و پرولتاریا داشت.

پاریس آمدواز آن زمان نزدیکترین دوست و همفکر مارکس شد. آندو در زندگی جوانی شان گروههای انقلابی آنروز پاریس باجزارت شرکت کردند و در مبارزه بی-امانی علیه مکتب گوناگون خورده بورژوازی ثنوری سوسیالیزم پرولتری (مارکسیزم) را تدوین نمودند.

از ۱۸۴۵ دولت پروس، مارکس را بعنوان یک انقلابی خطرناک تبعید کرد. او به بروکسل رفت. در بهار سال ۱۸۴۷ مارکس وانگلس به جامعه سزی تبلیغاتی "اتحادیه کمونیستها" پیوستند و بدنال شرکت فعال در کنگره دوم این اتحادیه اثر مشهور "مانیفست حزب کمونیست" را نوشتند که در فوریه ۱۸۴۸ انتشار یافت. در این اثر جهان بینی یعنی ماتریالیزم بهگیری که عرصه زندگی را فزایمی گرداند. دیالکتیک به منابه عمیق ترین آموزش همه جانبه در تکامل ثنوری مبارزه طبقاتی و نقش انقلابی - تاریخی و جهانی پرولتاریا، این آفریننده جامعه بون کمونیستی، با روشنی و درخشندگی داهانه ای ترسیم شده است.

وقتی که انقلاب فوریه ۱۸۴۸ آغاز شد، مارکس را از بلژیک تبعید کردند. او بازم به پاریس بازگشت و پس از انقلاب مارکس به شهر کلن رفت. در آنجا روزنامه "راین جدید" با سردبیری مارکس منتشر گردید.

انقلابات ۱۸۴۸-۱۸۴۹ درستی ثنوریهای مارکس وانگلس را بطور درخشانی ثابت کرد. "همچنانکه از آن پس نیز همه جنبش های پرولتری و دمکراتیک در همه جهان، آنرا ثابت کرده است."

ضد انقلاب که پیروز شد، ابتدا مارکس را به محاکمه کشیدند که در فوریه تبرئه شد. ولی او را در ۱۶ ماه مه از آلمان تبعید کردند. به پاریس رفت که پس از تظاهرات ۱۴ ژوئن از آنجا نیز تبعید شد و به لندن رفت. او تا پایان عمرش در همانجا ماند. شرایط زندگی تبعیدی مارکس آنطور که در مکاتباتش با انگلس آمده است، واقعا طاقت فرسا بوده است.

بی پولی شدید، جان مارکس و خانواده اش را به لب می آورد. ولی کمکهای بی دریغ انگلس باعث شد که مارکس تدوین "کاپیتال" را راهان کند. مارکس در این شرایط سخت در یک سلسله آثار تاریخی، ثنوری ماتریالیستی خود را می پروراند و نیروی خود را عمدتاً به مطالعه اقتصاد سیاسی مصروف میداشت و این علم را در آثاری چون "نقدی بر اقتصاد سیاسی" و "کاپیتال" انقلابی کرد.

اغتلاهی جنبش های دمکراتیک در دهه ۵۰ دهه ۶۰ بار دیگر مارکس را به عرصه مبارزه فراخواند. در ۲۸ سپتامبر سال ۱۸۶۴ سازمان مشهور "انترناسیونال اول" ("جمعیت رفاقت بین المللی کارگران) در لندن پایه گذاری شد. مارکس روح و جان این سازمان بود و نخستین پیام و قطعنامه ها و بیانیه های این سازمان را نگاشت.

مارکس با پیوندی که بین جنبش کارگری کشورهای گوناگون بوجود آورده بود، می کوشید تا اشکال گوناگون سوسیالیزم غیر پرولتری را در کشورهای مختلف طرح ریزی کند.

پس از سقوط کمون پاریس که مارکس آنرا در کتاب "جنگ داخلی فرانسه ۱۸۷۱" بطور عمیق و انقلابی ارزیابی کرد و پس از شکافی که با کمونیستها (انارشیستهای که می کوشیدند کارگران را از هرگونه دخالت در سیاست بازدارند) در انترناسیونال انداختند. ادامه کار این سازمان در اروپا غیر ممکن شد و مارکس پس از کنگره انترناسیونال در لاهه (۱۸۷۲) انتقال شورای کل انترناسیونال را به نیویورک عملی ساخت. انترناسیونال اول نقش تاریخی خود را به پایان رساند و جای خود را به دوران رشد و فراختر جنبش کارگری در همه کشورهای جهان سپرد.

کار سنگین در انترناسیونال و کار سنگینتر ثنوریک، تندرستی مارکس را یکی به هم زد. او کار تکمیل اقتصاد سیاسی خویش ادامه می داد و می کوشید تا "کاپیتال" را به پایان برساند. او

انبوهی کار با به تازه گرد می آورد و زبانها ی تازه یاد می گرفت. اما بیماری مجال بی پایان رساندن "کاپیتال" را به او نداد. و بالاخره در روز چهاردهم مارس ۱۸۸۳ مارکس در روی صندلی خواب آرام به خواب ابدی فرو رفت.

مارکس به بدنال یک عمر مطالعه و تحقیق مداوم توانست ثنوری و پرنامه انقلابات جهانی را تدوین نماید و بدینوسیله راه پیروزی خلقهای جهان را برای محو کامل استثمار انسان از انسان نشان دهد.

جمع بندی تجارب انقلابی و آثار ثنوریک مارکس به منابه گرانیهاتریکین گنجینه علمی، ارثیه ایست برای بشریت و در تاریخ جاودانه خواهد ماند.

او برای نجات انسانها، تشخیص داد که جامعه باید جامعه سازمان یافته ای باشد که در آن نه هرج و مرج تولید حاکم باشد، نه رقابت سرمایه داران چپاولگر و نه جنگ و خونریزی. او هیچگاه به شیوه ایده آلیست ها در خیالاتش "مدینه فاضله" را برای بشریت نپهروانده است. او بر اساس تحلیل علمی از جامعه طبقاتی و دریافت این حقیقت که انقلاب محصول تضادها ی آشتی ناپذیر طبقات استثمارگر و استثمار شونده است و همه هرج و مرج ها و بحرانهای اجتماعی و جنگ زائیده حصلت طبقاتی جامعه است، درمی یابد که سرانجام و بنابه ضرورت، جامعه ای باید جایگزین جامعه طبقاتی شود که بتواند قانوناهاه انسانهار از حقوق مساوی برخوردار سازد. چنین جامعه ای الزاماً جامعه ایست بدون طبقه و ضرورتاً متکی به کار جمعی و رفیقانه.

این حقیقتی بود که درک آن مارکس را همواره به تلاش و مطالعه بی وقفه و اسد داشت.

او سرانجام برای ایجاد چنین جامعه ای از همان انبوه مسائل پیچیده و بفرنج، قوانینی را استخراج کرد که بر اساس آن، توانست ثنوری مبارزه پرولتاریا را در عصر سرمایه داری تدوین نماید و

بعنوان اولین کمونیست، سادت طبقه کارگر را در غرضه بیکار ها و انقلابات عصر بورژوازی، با تبیین علمی آشکار سازد. مارکس با چشم انداز روشنی که از حاکمیت استثمار شندگان "بسرکردگی پرولتاریای پولادین عزم" داشت، با تمام وجودش و تا آخرین لحظه حیات کوشید تا حقانیت و پیروزی اجتناب ناپذیر کارگران و زحمتکشان جهان را ثابت کند. مارکس اگر چه نتوانست همزم پرولتاریا در انقلابات سوسیالیستی جهان باشد، ولی آموزش و ثنوریهای داهانه اش توانست است گردانی از کمونیستهای انقلابی را برای همزمی با پرولتاریای جهان پرورش دهد.

لنین کبیر نمونه برجسته ای از مارکسیستهای انقلابی است که توانست در پرتو جهان بینی علمی مارکس، پیشاپیش پرولتاریای روس، اولین انقلاب سوسیالیستی دنیا را رهبری کند و به پیروزی برساند.

انگلس " ... آنچه که مارکس انجام داده است، من هرگز نمی توانستم انجام دهم. مارکس از همه ما بالاتر بود، دورتر از همه ما می دید و بیشتر و سریعتر از همه ما معان نظر می کرد. مارکس با نفهم بود و ما حداکثر صاحب قریحهایم. بدون او ثنوری ما به هیچوجه آنچیزی نبود که اکنون هست. لذا این ثنوری بحق به نام وی موسوم است."

مارکس وانگلس "کمونیستها عا ر دارند که مقاصد و نظریات خویش را پنهان سازند. آنها آشکارا اعلام می کنند که تنها از طریق واژگون ساختن همه نظام اجتماعی موجود از راه قهر، وصول به هدفهایشان میسر است. بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب ما بر خود بلرزند. پرولتاریا، این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نمی دهد. ولی جهانی را بدست خواهد آورد."

بقیه از صفحه ۱

## از شورای کارگری چه ...

"شورای قسمت" ضمن نظارت بر امور قسمت مربوطه و بررسی آن گزارش کار خود را به شورای مرکزی می دهد و شورای مرکزی نیز نظارت بر شوراهای قسمت ها و سازماندهی و رفع مشکلات آنها را برعهده می گیرد.

شورای مرکزی که در واقع نقش اصلی و رهبری کننده را برعهده دارد باید میان اعضا خود و همچنین شوراهای قسمت ها تقسیم کار کند و کمیته های مختلفی را برای بررسی و پیگیری مسائل کارگری بوجود آورد. به عنوان مثال کمیته های مالی، استخدام، رفاهی، فرهنگی و آموزشی، سیاسی، کنترل و نظارت بر تولید و توزیع و فروش، حفاظت و ارتباطات، هر کدام نقش خاصی را در اداره امور کارخانه

کردن ارتباط با کارگران سایر کارخانه ها بمنظور هماهنگ کردن مبارزات اقتصادی و سیاسی، ایجاد شورای مشترک میان شوراهای کارخانه ها که در عالی ترین شکل خود "شورای متحده سرتاسری کارگران ایران" را بوجود خواهد آورد. تهیه اخبار و گزارشهای گوناگون از کارخانه ها و محافل دیگر و آگاه کردن کارگران از آنها (بوسیله خبرنامه یا روزنامه یا دیواری).

کارگران پیشاپیشک سیمان تهران پس از بررسی وظایف کمیته ها با تعیین حملات اعلامیه خود را به پایان رسانده اند. رفقای کارگرا فقط با تبادل نظر و ایجاد محیطی سالم و بدون ازهرگونه تعصب و انحصار ظنی میتوان با انجام بحث های سازنده به هر چه بهتر کردن شورای کارگری و پیسرود مبارزات کارگران کمک کرد.

و تبعیضات. یکی از فوری ترین وظایف این کمیته مبارزه برای لغو آئین نامه انضباطی و هر نوع جریمه است.

وظایف کمیته کنترل و نظارت بر تولید و توزیع و فروش، نظارت بر مرغوبیت تولید و جلوگیری از سوء استفاده کارفرما رسیدگی دقیق به تولیدات انبار شده و نظارت بر چگونگی توزیع و فروش محصولات کارخانه، کنترل قیمت ها و جلوگیری از هرگونه افزایش بی رویه قیمت ها که به ضرر کارگران و مردم رجحتمکن است.

وظایف کمیته سیاسی، آموزشی و فرهنگی: بالا بردن سطح آگاهی های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فنیسی وظایف کمیته ارتباطات: برقرار

کارگران با ایجاد کلاسهای آموزشی مجالس سخنرانی و بحث و گفتگو، نمایش فیلم و انتشار خبرنامه و همچنین تشکیل کلاسهای بیکار با بیسوادی و توضیح مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی به کارگران بیسوادی.

وظایف کمیته صنایع و رفاهی: رسیدگی به کلیه مسائل و مشکلات صنایع و رفاهی مانند مسکن، بیمه، بهداشت، ایمنی کار، ایجاد شرکت تعاونی، صندوق اعتصاب و بیکاری و وظایف کمیته حفاظت و نظارت بر اموال و تاسیسات کارخانه و حفظ آنها و آمادگی در مقابل حملات نیروهای ضد انقلابی و وظیفه این کمیته در جریان مبارزات کارگری بسیار حساس است. وظایف کمیته ارتباطات: برقرار

# چرا کاپیتولاسیون را لغو نمیکنید؟

یکی از خیانتهای بزرگ رژیم شاه برقراری سیستم کاپیتولاسیون در مورد جاسوسان امریکایی بود. رژیم شاه خائن برای تضمین موقعیت جاسوسان امریکایی در ایران یکی از مقررات استعماری را که متعلق به دوران استعمار کهن بود، در کشور مازنده کرد. به این ترتیب که بموجب این مقررات اتباع امریکا در ایران اگر آدم می‌کشتند، دزدی می‌کردند، به جان و مال و ناموس امریکاییان تجاوز می‌کردند، خلاصه هرگونه جرم و جنایت مرتکب می‌شدند مصون از هر نوع تعقیب بودند و هیچ مقام ایرانی نمی‌توانست معترض آنها باشد.

چنین مقرراتی که یادگار دورانی است که استعمارگران به یک کشور دیگر نیرو می‌فرستادند و آنرا سلسله‌اشغال و مستعمره خود می‌کردند، در زمان دولت خائن منصور درباره امریکاییان به تصویب رسید. این اقدام خائنه یعنی دادن مصونیت سیاسی و قضائی به اتباع امریکا که تسهیل کننده کسب بیشتری از چهل هزار مستشار امریکایی در ایران شد، در همان دوران (سال ۱۳۴۳) و با وجود اختلافات شدید اعتراضات وسیع مردم را برانگیخت و حسنعلی منصور جان کثیف خود را بر روی آن گذاشت. از آن تاریخ تاکنون امریکاییان مقیم ایران بارها و بارها مرتکب آدم‌کشی، دزدی و جرم جنایت شدند ولی مقامات قضائی ایران بموجب همین قانون کاپیتولاسیون نتوانستند کوچکترین عملی علیه آنها انجام دهند. قانون کاپیتولاسیون که جلوه بارز وابستگی رژیم شاه به امریکاییسم امریکا بود تا سقوط شاه برقرار بود و متأسفانه هنوز هم بقوت خود باقی است.

حال تعجب آور است چرا دولتی که

پس از قیام شکوهمند مردم و سرنگونی رژیم وابسته روی کار آمد بلافاصله این مقررات را لغو نکرد؟ کاری که خلقهای ایران انتظار داشتند همان فردای پیروزی مردم انجام شود و دولت موقت این قانون را باطل و ملغی اعلام کند.

امروز وقتی از امیران نظام سخنگوی دولت درباره لغو قراردادها می‌پرسیم می‌گویند که سابق با امریکاییان استیصال می‌شود، این نشان باکمال خونسردی می‌گویند که برای لغو این قراردادها باید مطالعه صورت گیرد. . . سؤال مردم ایران از ایشان بعنوان سخنگوی دولت درباره کاپیتولاسیون این است:

"آیا برای لغو کاپیتولاسیون هم محتاج مطالعه بوده‌اید؟"

هر کودک دبستانی میدانند که لغو کاپیتولاسیون احتیاج به فکر کردن نداشته و ندادن دولتی چرا تاکنون این قانون لغو باطل نشده است علامت سؤال بزرگی است که در مقابل دولت قرار گرفته است.

# پیامهای همبستگی احزاب و سازمانهای کارگری جهان

## به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بمناسبت  
اول ماه مه

بمناسبت اول ماه مه پیامهای بسیاری از جانب احزاب و سازمانهای سیاسی و کارگری جهان به سازمان ما رسیده که به این ترتیب به درج آن مبادرت می‌کنیم.

سازمان ارتش آزادیبخش خلق ترکیه .  
سازمان راه آزادی ترکیه .  
سازمان راه انقلابی ترکیه .  
سازمان احبای در راه جبهه آزادیبخش خلق ترکیه .  
سازمان راهائی ترکیه .  
سازمان (ک-ب-ک) آلمان غربی (اتحادیه کمونیستهای آلمان غربی) .  
کانون وکلای دادگستری ملی امریکا (لوس آنجلس) .  
کمیته شیلی وابسته به میردر اتریش .

گروه پشتیبانان جنبش انقلابی ایران در اتریش .  
اتحادیه میهن پرستان کرد عراق - واحد امریکای شمالی .  
اتحادیه مارکسیست-لنینیستهای انیورک ( اتریش ) .  
کمیته هم آهنگی ملی منطقه ای وابسته به حزب سوسیالیست شیلی در اتریش .  
کمیته پشتیبانی از جنبش زیمباووه (اتحادیه ملی آفریقا) در نیویورک .  
حزب کمونیست (جدید) انگلستان .  
در بخشی از پیام ارتش آزادیبخش خلق ترکیه (وحدت مبارزاتی) چنین می‌خوانیم:

از طبقه کارگر ترکیه به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
رفقا .

مبارزات خونینی را که بخاطر انقلاب آغاز کردهاید طبقه کارگر ترکیه از نزدیک تعقیب می‌کند. مبارزاتی که رژیم دیکتاتوری شاه جلاد را سرنگون کرده و در جهت برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان با عزم راسخ و استوار به پیش می‌رود. طبقه کارگر ترکیه در پیروزیهای شما دوشادوش شما بجوش و خروش می‌آید. در مبارزات پرولتاریای ایران که حلقه ای از زنجیر مبارزات پرولتاریای جهان است طبقه کارگر ترکیه نیز مانند کارگران سایر کشورهای جهان در کنار طبقه کارگر ایران است.

زننده باد انترناسیونالیسم پرولتری  
بادرودهای کمونیستی

**طرح پیشنهادی . . .**  
بقیه از صفحه ۱

ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی مردم قهرمان مارا به راههای انحرافی و به جنگ حمیدری نعمتی بکشاند و در پوشش مذهب راه استقرار دیکتاتوری راهسوار کند که این خود زمینه مناسبی برای تثبیت مجدد سلطه امپریالیسم می‌باشد. " طرح قانون اساسی " در موارد بسیاری حقوق مردم ایران را زیر پا گذاشته است. حقوق اقلیتهای ملی و مذهبی را در نظر نگرفته، باهامات بسیاری برای گذاشته که امکان سوءاستفاده را به هر کس که بخواهد حقوق مردم را از بین ببرد، خواهد داد. این طرح فاقد اصولی است که در برگیرنده محتوای انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد. انقلابی که خلقهای دلاور ما برای پیروزی آن فداکاریها و جانفشانیها کرده و هزاران شهید تقدیم کردند. و بالاخره " طرح قانون اساسی " از نظر فرم و طرز قانون نویسی در حد قانون اساسی یک کشور پیشرفته نیست.

# خلق و فقط خلق است که . . .

بقیه از صفحه ۱

مقابل عملیات پارتیزانی به سراسر ویتنام جنوبی گسترش پیدا کرد. نیروهای مزدور ضربات شدیدی خورد و در سال ۱۹۶۷ بیش از ۶۵ هزار نفر از نیروهای دشمن تلف شدند. امپریالیسم امریکا در مقابل نبرد انقلابی خلق ویتنام تاب مقاومت نیاورد و در سال ۱۹۷۳ مجبور به قبول شکست فزاینده و فرار از ویتنام گردید. جنگ بر علیه رژیم سایگون ادامه یافت و از نیمه ماه آوریل ۱۹۷۵ حملات وسیع و سراسری برای آزاد کردن تمامی کشور آغاز گردید. این پیکار نهایی ۱۵ روز به طول انجامید و در ۳۰ آوریل ۱۹۷۵ شهر سایگون آزاد و نیروی نظامی دشمن منهدم گردید و انبوهی از تجهیزات نظامی امریکا که بیش از ۱۰۰۰ فروند هواپیما، هزاران توپ و تانک و کشتی جنگی و میلیونها قطعه اسلحه دیگر بود بدست سربازان ارتش خلق افتاد و بدین ترتیب بزرگترین حماسه تاریخ بشریت شکل گرفت.

پیروزی خلق قهرمان ویتنام بر امپریالیسم تجاوزکار امریکا تا اثبات عظیمی بر نبردهای آزادیبخش در سراسر جهان باقی گذاشت. ویتنام نشان داد که چگونه یک کشور کوچک با اتکا به توده های مردم و رهبری حزبی انقلابی می‌تواند بزرگترین غول نظامی جهان پیروز گردد. ویتنام نشان داد که فقط طبقه کارگر و حزب انقلابی اوست که قادر به پیروزی نهایی بر امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن میباشد. ویتنام نشان داد که بزرگترین و مطمئن ترین تضمین برای پیروزی کامل خلق های تحت ستم بر امپریالیسم، رهبری قاطعانه و انقلابی حزب طبقه کارگر است. حزب کمونیست ویتنام به رهبری رفیق هوشی مینه، با شایستگی نشان داد که سبیل مبارزه جوشی و تسلیم ناپذیری طبقه کارگر و خلق ویتنام است. ویتنام نشان داد که خلق و فقط خلق است که تاریخ را می‌سازد.

ویتنام است. حزب کار ویتنام، که در اوج گسترش جنبش های توده ای ایجا کردید، توانست با شعارهای " استقلال ملی " و " زمین از آن کسی که روی آن کار می‌کند " به سازماندهی توده ها پرداخته و بسرعت بعنوان مهمترین نیروی سیاسی خود را تثبیت نماید.

در تمام دوران ۴۵-۱۹۳۰ حزب با بکار گرفتن تاکتیکهای مناسب، ایجاد جبهه ای دمکراتیک از تمام نیرو های مترقی و ایجاد ارتش آزادیبخش توانست با استعمارگران فرانسوی و فاشیستهای ژاپنی به پیکاری تاریخ ساز برخاسته و

# گورکی و رئالیسم . . .

بقیه از صفحه ۱

آن هم که راه را برای پیروزی زحمتکشان همواری کند نشان داده شده است. این همان " خوش بینی تاریخی " است که از ویژگی های اصلی آثار گورکی و رئالیسم سوسیالیستی است. این خوش بینی یک خوش بینی شخصی و فردی و خیالی نیست بلکه از آگاهی برجریان تکامل اجتماعی و سیر تاریخ ناشی شده است.

۵- گورکی توده ها را نیروی اصلی و سازنده تاریخ میدانست و به همین دلیل آثار او بصورت مجموعه و دائره المعارف واقعی زندگی توده ها در آمده است. قهرمانان او همگی از میان توده های محروم انتخاب شده اند. این افراد همواره بطور جدی در این فکر هستند که آیا چگونه می‌توانند زندگی را دگرگون کنند؟ نیروی اخلاقی سوزاننده این قهرمانان همواره سر مشقی برای دیگران می‌شود که به مبارزه روی آورند و در مبارزات توده ها شرکت کنند.

۶- در عین حال گورکی از اصول اخلاقی جامعه بورژوازی شدیداً انتقاد می‌کرد. احساسات بشر دوستی و انسان گرایی در آثار او موج می‌زند. اما این انسان گرایی یک انسان فعال است نه منفعل و تسلیم طلبانه. اصل اساسی انسان گرایی گورکی عبارتست از فعالیت در جهت آسایش انسانها، فعالیت بمنظور کمک به انسانها در جریان کارهایشان، فعالیت بمنظور از بین بردن نابرابری و ستم و برای آزاد کردن انسان از هر رنج و بیداد. در انسان گرایی بورژوازی، انسان ها دعوت به آرامش و تسلیم و رضا می‌شوند اما گورکی همه را به مبارزه در راه آزادی انسانها دعوت می‌کند.

اینها مهم ترین خصوصیات آثار گورکی و رئالیسم سوسیالیستی بود و سایر خصوصیات نیز غالباً در ارتباط با همین مسائل قرار دارند. رئالیسم سوسیالیستی بخاطر خصوصیات خود مترقی ترین شکل هنر و ادبیات و عالیترین شکل رئالیسم است اما نباید تصور کرد که هراتری که به این سبک نوشته شود خود بخود از آثار گورکی که به سبک و شکل دیگری بوجود آمده اند بهتر و عالیتر است. ارزش یک اثر هنری تنها به سبک و شیوه آن بستگی ندارد. مادر باره گورکی بازم صحبت خواهیم کرد.



### بقیه ازمنه تاریخچه جنبش...

از تجربیات گذشته قابلیت سازمان - دهی شان نیز برای مقابله با سرمایه داران بتدریج ارتقاء یافت .

در سالهای ۱۸۲۰ و ۱۸۴۰ میلادی ، سه جنبش دامنه دار کارگری در اروپای غربی روی داد . در فرانسه کارگران کارخانه های ابریشم بافی لیون ، دو سار دست به قیام مسلحانه زدند . در انگلستان جنبش چارتمست ها که خواهان حقوق اجتماعی و اقتصادی بودند در آلمان قیام کارگران صنایع نساجی منطقه سیلی از اهمیت خاصی برخوردار است . این قیامها اروپا را لرزاند و نشان داد که دیگر جنبش طبقه کارگر وارد مرحله نوینی شده است .

#### قیام کارگران لیون فرانسه در ۱۸۳۱ میلادی (۱۲۱۰)

در ماه نوامبر سال ۱۸۳۱ یعنی ۱۴۸ سال پیش کارگران فرانسوی در شهر لیون دست به یک قیام مسلحانه زدند . شهر لیون در آن زمان مرکز صنایع ابریشم فرانسه بود . در آنجا کارگران تحت بهره کشی بی رحمانه سرمایه داران و واسطه ها قرار داشتند . در حالیکه تا ۱۸ تا ۱۸ ساعت در روز کاری کردند ، دستمزدی دریافت نمی کردند که نان خالی را هم به زحمت

می شد با آن خرید . کارگران جوان و قوی بعلت شرایط نامساعد کار و سوء تغذیه بسرعت بنیه شان تحلیل می رفت و سپس از مدتی کار تنها پوست و استخوانی از آنها باقی می ماند . گذشته از این پیوسته در معرض انواع بیماریها نیز قرار داشتند . زندگی کودکانشان از این هم اسف بارتر بود . بسیاری از آنها هر ساله در سنین پائین می مردند در عین حال بسیاری از نوجوانان که ناچار بودند در سنین کمتر از ده سال آغاز به کار کنند . در اثر بد رفتاری و شرایط نامساعد کار تبلیغ می شدند . در ماه اکتبر ۱۸۳۱ ، شش هزار تن از کارگران صنایع ابریشم کارفرمایان را مجبور کردند با تقاضای اضافه دستمزد آنها موافقت کنند . اما همین کارفرمایان به قول خود وفا نکردند . این امر خشم کارگران را برانگیخت و موجب اعتصاب و تظاهرات عظیمی در ۲۱ نوامبر شد که بشدت توسط پلیس سرکوب شد . کارگران که خوششان به جوش آمده بود بسرعت مسلح شدند و در پاسخ به خشونت پلیس و توطئه سرمایه داران دست به قیام مسلحانه زدند . کارگران انقلابی روی پرچمهای خود شعارهای آتشین نوشته بودند که بکارگران نیرو می داد تا دلیرانه بر علیه دشمن بجنگند . پس از سه روز مبارزه خونین ، انقلابیون موفق شدند ساختمان شهرداری را اشغال کنند . در آن زمان بدلیل نفوذ ایده های سوسیالیسم تخیلی و پائین بودن آگاهی کارگران هنوز شناخت دقیقی از اهمیت فوق العاده امر تسخیر قدرت سیاسی نداشتند . از این رو آنها رئیس پلیس مرتجع شهر را به قتل کردند و بتدریج برکناری کارمندان عالی رتبه سابق اقدامی نشد . کارگران تنها به ایجاد یک کمیته کارگری که وظیفه اش کنترل فعالیتهای

به این ترتیب دومین قیام مسلحانه کارگران لیون نیز به این علت که کارگران موفق به تسخیر قدرت نشدند بشکست انجامید .

این دو قیام مسلحانه که در آغاز جنبش کارگری به وقوع پیوست به جهت محتوای سیاسی عمیق خود حائز اهمیت خاص هستند . زیرا برای اولین بار به نحو بارزی به کارگران و زحمتکشان جهان نشان داد که از آن پس در کشورهای سرمایه داری مبارزه پرولتاریا با بورژوازی در صدد مبارزات اجتماعی قرار گرفته است . از سوی دیگر قیامهای لیون آغاز راهی بود که طبقه کارگر فرانسه برای ایجاد جنبش سیاسی مستقل خود در آن گام نهاد . در جریان قیام ، کارگران ریسندگی لیون سرودی ساخته بودند که هنوز هم از سرودهای کارگری مشهور جهان است . در این سرود کارگران ریسندگی می گفتند که ما تا بحال برای اسقف ها و رجال حکومت قیام ابریشم می یافتیم در حالیکه خودمان لخت و برهنه بودیم . اما اکنون برای سرمایه داری کفن خواهیم بافت و دیگر برهنه نخواهیم بود .

سوسیالیستهای تخیلی معتقد بودند میتوان بدون درهم شکستن قدرت طبقه سرمایه دار و دولت آن ، سوسیالیسم را برقرار کرد .

یک دفش توسط یک کارگر با مهارت متوسط و با شدت کار متوسط ( کارگری ممکن است آهسته کار کند و کارگر دیگری تندتر نتیجه حاصل کار یکی کمتر و دیگری بیشتر خواهد شد . کارگری که باشد می متوسط کار کند محصول کارش متوسط محصول کار این دو کارگر خواهد بود ) ۱ ساعت است . حال اگر باشیوه های سنتی کارگر دیگری کفش مشابهی را در مدت زمان ۳ ساعت تولید نماید ، ارزش این کفش با ارزش کفش اول هیچگونه تفاوتی نخواهد داشت و مقدار ۲ ساعت کار بیشتر مصرف شده در تولید کفش دوم عملاً در محاسبه ارزش در مبادله بحساب نخواهد آمد و این اصل فقط مقدار کار اجتماعی لازم یا زمان کاری که اجتماعاً برای ساختن ارزش مصرفی ضروری است تعیین کننده مقدار ارزش کالا است نه اینکه هر کارگر انفرادی چقدر روی آن کاری کند .

بنابراین زمان متوسط کار لازم و مورد احتیاج برای تولید یک کالا ( زمان کار اجتماعاً لازم ) است که ارزش کالا را تعیین می کند .

به مثال زیر توجه کنید :

" پس از آنکه در انگلستان دستگاه بافندگی بخار بکار رفت شاید نیمی از کار سابق برای تبدیل مقدار معینی از نخ به پارچه کفایت می کرد . لیکن برای کارگر دست باف انگلیسی بازمانند گذشته همان اندازه زمان کار جهت این تبدیل لازم بود . اما محصول ساعت انفرادی کارش فقط معرف نصف ساعت اجتماعی کار بود به همین دلیل نیمی از ارزش سابق آن کاسته شد . بنابراین فقط مقدار کار اجتماعاً لازم با زمان کاری که اجتماعاً برای ساختن ارزش مصرفی ضروری است تعیین کننده مقدار ارزش آنست ."

( کارل مارکس ، کاپیتال ، جلد اول )

### خصوصیت کالا

بقیه ازمنه ۲

واقعیت که کالاها فرآورده کار هستند به آنها ارزش می بخشد . ارزش یک کالا به وسیله مقدار کاری که در تولید آن مصرف شده است تعیین می گردد . حال این سؤال مطرح می شد که در تولید کالاهای مشابه اگر بعضی از تولید کنندگان با ابزار ساده به تولید بپردازند و بعضی ماشین آلات بکار برند بعضی از تجربیات تولیدی کمتری برخوردار باشند و بعضی از تجربه بیشتر مسلماً زمان کاری که برای تولید هر یک از این کالاها بکار می رود متفاوت است . در این صورت چه خواهد شد آیا مبادله این دو کالای مشابه وضعیت مختلفی خواهند یافت ؟ پاسخ منفی است زیرا مصرف کننده اهمیت نمی دهد که هر فرد تولید کننده چقدر وقت برای تولید کالا مصرف کرده است . مثلاً اگر کارگر دست باف برای تولید ۵ متر پارچه ۸ ساعت کار مصرف می کند ولی یک کارگر با ماشین آلات بافندگی در طی ۴ ساعت کار ۵ متر پارچه می بافت برای مصرف کننده مهم نیست که تولید کننده چقدر وقت صرف تولید این ۵ متر پارچه کرده است . ۸ ساعت یا ۴ ساعت . چون کالاها مشابه هستند قیمت آنها هم باید برابر باشد . در واقع ارزش کالا با مقدار کاری که فرد تولید کننده در هر شرایطی برای تولید کالا بکار برده بستگی ندارد ، ارزش کالا بوسیله مدت زمان کار لازم برای تولید یک کالای معین در شرایط عادی سطح تکنولوژی تولید در یک جامعه معین و با سطح متوسط مهارت و شدت کار تعیین می شود . یعنی مثلاً در جامعه ای که ماشین آلات برای تولید بکار برده می شود کار لازم برای تولید

### درباره حزب طبقه...

#### بقیه ازمنه ۲

حزب طبقه کارگر تعیین کرده است ، ندارد طبقه کارگر نیز به آن اعتماد ندارد و این حزب پیوندی با طبقه کارگر ندارد . در آینده مادرباره انحرافات ایدئولوژیک ، سیاسی و تشکیلاتی آنها بیشتر صحبت خواهیم کرد . در اینجا فقط خواستیم به این مسئله اشاره کنیم . سایر گروههایی هم که اسم حزب روی خودشان گذاشته اند دارای خصوصیات حزب طبقه کارگر نیستند . تاکید روی این مسئله از آنجا ضروری است که کارگران آگاه شوند و گول اسم رانخورند و اگر گروهی اسم خود را حزب طبقه کارگر گذاشت دچار اشتباه نشوند و فریب این اسم هارنخورند .

سازمان ما با اینکه چه از نظر ایدئولوژیک ، سیاسی و تشکیلاتی و چه از نظر اعتمادی که در سایه مبارزات پیگیرانه و صادقانه اش در میان توده ها بدست آورده است ، از سایر گروهها به خصوصیات حزب طبقه کارگر نزدیک تر است ولی هنوز حزب طبقه کارگر نیست . و به همین دلیل هم اسم خود را حزب طبقه کارگر گذاشته است ، چون نمی خواهد کارگران را فریب دهد و صادقانه واقعیت را بیان می کند . ولی سازمان ما معتقد است که باید حزب طبقه کارگر ایجاد شود . البته این مهم با مبارزات پیگیر و با بردن آگاهی سوسیالیستی و مبارزاتی که میان کارگران نه در اطاق های در بسته ، بلکه در صحنه مبارزه طبقاتی ممکن است . سازمان ما کلیه فعالیت عملی و نظری خود را در جهت و در خدمت ایجاد حزب طبقه کارگر بکار گرفته است و ایمان دارد که با گسترش پیوند سیاسی تشکیلاتی با طبقه کارگر و مبارزات کارگران آگاه و پیشرو و با مبارزات پیگیر ، حزب واقعی طبقه کارگر در ایران ایجاد خواهد شد . به همین دلیل هم شعار " پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر " را می دهد .

### شورا و سندیکا

#### بقیه ازمنه ۵

یک طبقه - در مقابل سرمایه داران قرار می دهد و اینها لزوماً بدولتهای خود برای مقابله با کارگران متوسل می شوند . در چنین مواردی مبارزه کارگران خصلت سیاسی می یابد و علیه دولت هاستور ت می گیرد . سندیکاها نیز در برگیرنده همه افراد یک صنف یا کارخانه ، صرف نظر از عقیده و مسلک هستند و از این بابت با شوراها تفاوتی ندارند . اما همانطور که گفته شد مبارزه سندیکاها مبارزه بی استقامتی و غالباً قانونی و در دوران آرامش ، در حالی که شوراها سازمانهای دورانیهای اعتلای هستند که برای رسیدن به خواسته های رفاهی و اقتصادی زحمتکشان مبارزه می کنند . به عنوان مثال میگویند تا دستمزد کارگران را افزایش دهند ، شرایط محیط کار را بهتر کنند ، سلامت و بهداشت کارگران را تامین کنند و غیره . این مبارزه معمولاً در چهارچوب قوانین جاری کشورها صورت می گیرد و عمدتاً علیه استثمارگران ( کارفرمایان و صاحبکاران و غیره ) است و نه دولت آنها . البته اتحاد و همبستگی سندیکاها در سازمانی سرتاسری ( کنگره - سبون ) ، کارگران را همچون یک کل همیشه

# “ طرح پیشنهادی قانون اساسی جدید ” یعنی پیشنهاد بگور سپردن انقلاب ایران

در تاریخ ۱۸ اردیبهشت روزنامه کیهان طرحی را بعنوان “ متن پیشنهادی ” قانون اساسی جدید انتشار داد. این روزنامه مقدمه کوتاهی بر آن نوشته است که:

“ ... لازم به تذکر است که این متن، با احتمال اصلاحاتی که احیانا قبل از انتشار روی آن انجام خواهد شد، متن نهائی نیست، اما چهارچوب، کلیات و اکثر اصول آن، همین چیزی است که در کیهان منتشر می شود.”

تاریخی که نوشته حاضر تهیه می شود. این طرح با عکس العملهای گوناگونی مواجه شده است وزارت کشور اعلام داشت که طرح مزبور “ متعلق به نخست وزیری، دولت و باوزارت کشور نیست ” (آیندگان ۹ اردیبهشت) امیر انتظام، سخنگوی دولت ابتدا در یک مصاحبه تلویزیونی تلویحا و به نحوی سیاستمداران بنوعی آنرا مورد تأیید قرار داد، باینی کم و بیش باین محتوا: “ این طرح البته بوسیله دولت در اختیار مطبوعات قرار نگرفته و الان که منتشر شده میتوان درباره آن اظهار نظر کرد.” ولی اخیرا آنرا کاملاً تکذیب کرد و اهل نظر در طرف همین چند روز پس از انتشار “ متن پیشنهادی قانون اساسی جدید ” عکس العمل شدید نشان دادند.

درباره نحوه تهیه طرح قانون اساسی یکی از حقوقدانان چنین گفته است:

“ چند ماه پیش تهیه طرح قانون اساسی جدید به عهده عده ای از حقوق دانان گذاشته شد. این طرح باتوجه به “ شرایط زمانی و مکانی ” تهیه شده و در اختیار مقامات مربوطه قرار گرفت. طرح تهیه شده سه چهاربار به پیشنهاد مقامات مربوطه مورد تجدید نظر قرار گرفت و هر بار اصلاحاتی در آن به عمل آمد. طرح مزبور پس از اینکه کش و قوسها در اختیار مقامات گذاشته شد معلوم نیست که چه دستهای مرموزی پس از حذف پاره ای از اصول و افزایش اصولی مغشوش و بی سرنوشته و مثله کردن بقیه، طرح مذکور را به این صورت مسخره و مسخ شده در اختیار روزنامه کیهان قرار داده است و روزنامه نیز بدون کمترین احساس مسئولیت در مقابل افکار عمومی و بدون توجه به محتوای مبارزه قهرمانانه مردم ایران، آنرا چاپ کرد. بی آنکه مشخص کند که این طرح از طریق چه منبعی به دستش رسیده است.

بگمان ما کسانی که این طرح ناقص را (۲۵ اصل آن در روزنامه کیهان چاپ نشده است) در اختیار روزنامه قرار داده اند میخواهند بقول بازار بهیسا “ مظنه ” عکس العمل افکار عمومی را به دست آورند تا اگر “ جو ” مساعد بود آن ۲۵ اصل چاپ نشده در روزنامه را با

محتوای ارتجاعی تراز متن چاپ شده بکجا بعنوان طرح کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی به خورد مردم بدهند. انحصار طلبان که در زیر پوشش مذهب، لحظه به لحظه بیشتر نظرات ارتجاعی خود را نشان می دهند، با انتشار “ آزمایشی ” متن پیشنهادی قانون اساسی جدید “ در صدد توطئه جدیدی علیه انقلاب ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی خلقهای ایران برآمده اند. انحصار طلبی سیاسی مقدمه ایست بر انحصار طلبی اقتصادی و نتیجتاً سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را تثبیت کردن.

توطئه جدید انحصار طلبان مرثی و نامرثی، انتشار “ متن پیشنهادی قانون اساسی جدید ” است. نیروهای انقلابی، مترقی و آزادیخواه جامعه وظیفه دارند این توطئه را بشدت افشا کنند. کسانی که بامتن قانون اساسی سابق آشنائی داشته باشند بایک بررسی تطبیقی براجتی بی خواهند برد که “ متن پیشنهادی ” بمراتب ارتجاعی تر از قانون اساسی سابق است. کسانی که طرح قانون اساسی جدید را سرهم کرده اند دست آدم مرتجع می مثل شیخ فضل اله نوری را هم از پشت بسته اند. طراحان قانون اساسی جدید قدر مسلم موفقیتی بیشتر از شیخ فضل اله بدست نخواهند آورد زیرا زحمتکشان ایران دهها هزار کشته نداده اند که به دوره قبل از مشروطیت برگردند. شیخ فضل اله توری در مقابل جنبش ضد استبدادی و ضد امپریالیستی مشروطه، تز انحرافی (مشروع) را علم کرد و در تعقیب افکار قشری خود تا به آنجا پیش رفت که در زمان تصویب قانون اساسی با اصل هشتم متمم قانون اساسی آنوقت که مقرر میداشت “ اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی

متساوی الحقوق خواهند بود ”، بشدت مخالفت کرد و قیاحانه ادعا داشت که چطور یک مسلمان بایک کافر می تواند متساوی الحقوق باشد و دلیل می آورد که طبق قوانین شرعی اگر کافر یک مسلمان را بکشد باید عمل “ قصاص ” انجام گیرد، در حالیکه اگر یک مسلمان کافر را بکشد قتل برساند طبق همان قوانین فقط باید “ جزیه ” بدهد. تاریخ درباره شیخ فضل اله نوری قضاوت کرد. تمام محققانی که در زمینه انقلاب مشروطیت کار کرده اند (چه نویسندگان ایرانی و چه خارجی، چه نویسندگان مترقی و چه غیر مترقی) نتوانسته اند به خیانت های جنبش مردم زدند و تسلط مجدد امپریالیستهای روسیه تزاری و انگلستان و استبداد محمد علی شاه را بر ایران حاکم کردند، اشاره نکنند. ما امروز در این لحظات حساس در تاریخ کشورمان حقیق نداریم سکوت بکنیم. نه فقط در مقابل میلیونها زحمتکش ایرانی بلکه حتی در مقابل مبارزانی که در این هفتاد و پنج سال بخاطر آزادی و استقلال ایران شهید شده اند مسئولیم، توطئه ای را که تحت پوشش مذهب در شرف تکوین است افشا کنیم. ماحق نداریم به انتظار قضاوت تاریخ بنشینیم بلکه باید باتمام قدرت علیه توطئه ای مبارزه کنیم که عده ای انحصار طلب می خواهند بر مردم ما تحمیل کنند، بیکار دیگر آنها را در مقابل عمل انجام شده قرار داده و نتایج انقلاب قهرمانانه زحمتکشان کشور ما را بتاراج دهند. باتمام احترامی که برای اعتقادات مذهبی خلقهای کشورمان و روحانیون مبارز قائلیم، نمی توانیم اجازه دهیم که قشری تنگ نظر، سلطه جو و قدرت طلب، مبارزه را با آمل کمونیستی همراه سازند. برای نمونه، جبهه گیری اغلب اعضاء این کانونها در مقابل دولت و با انتشار وصیت نامه خسرو گل سرخی و کرامت الله دانشیان در مطبوعات و به ویژه نمایش فیلم و دفاعیات خسرو گل سرخی از تلویزیون که ضمن ستایش از مولای متقیان گفت:

یاران! ایان هراشان از یکبار چگی ماست و ماراز پیروزیمان درو حیدت آگاهانه است، آگاهانه متحد شویم، ماداغ لعنت خوردگان برپاخیزیم و دنیای فقر و بردگی را درهم کوبیم تا هیچ بودگان هر چیزی گردند.

زنده باد خاطره شهادت کارگران اولین تجلی وحدت کارگری همچون اشتیس ولینگ و یار سونس که دشمن ظلم ظالم سرمایه داری بودند.

زنده باد همبستگی بین الملل کارگری.

زنده باد خاخره شهدای اول ماه مه ۱۹۲۸ استانبول

با ایمان به پیروزی راهمان چریک فدائی سرحد فخری می گیریم.

## تهرانی جلاد ساواک هم از “ خطر کمونیزم ” حرف می زند

یکی از سرشناسترین جلادان ساواک بهمن نادری پوز معروف به تهرانی که ۱۲ سال از عمر سزاسر ننگین خود را در ساواک گذرانده و یکی از وفادارترین جاسوسان امپریالیزم و صهیونیزم جهانی محسوب می شود، در زخمی که خود به تنهایی دهها تن از خواهران و برادران انقلابی مارادشکنجه گاههای شاه با آنها ع شکنجههایی که حتی از ذکر آن شرم داریم، به شهادت رسانده است، اینکه که در دست خلق قهرمان ما گرفتار آمده، نامه ای به مسئولان نوشته است که چاپ برخی از نکات آن می تواند برای همه ما آموزنده باشد. این نامه نشان می دهد که چگونه این جاسوس کارگشته امپریالیزم و صهیونیزم به سوء استفاده از احساسات مذهبی مردم امید بسته می گوشت با ترساندن رهبران و مردم از “ خطر کمونیزم ” اذهان مسئولان را از خطر دشمن سوگند خورده خلقهای ایران یعنی امپریالیزم و صهیونیزم منحرف سازد.

چاپ قسمتهایی از نامه این جاسوس ورزیده به ویژه از این نظر آموزنده است که نشان می دهد دیدگاههای مزدوران امپریالیزم و صهیونیزم، تا چه حد به دیدگاههای کسانی که می گوشت دشمنان زخم خورده میهن یعنی امپریالیزم و صهیونیزم را به فراموشی سپارند و به جای آن مردم را به مبارزه با کمونیستها بکشاند نزدیک است.

در زیر قسمتی از نامه را می خوانید: “ علاوه بر این در کانون ها و انجمن های ادبی مختلف با اصطلاح روشنفکری منجمله کانون وکلا، انجمن نویسندگان و شعرای ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و حتی در داخل سازمان رادیو-تلویزیون و روزنامه های کیهان، آیندگان، اطلاعات و غیره نیز عده ای از عناصر کمونیست وجود دارند که سعی می نمایند خط مشی سازمانهای خود را با آمل کمونیستی همراه سازند. برای نمونه، جبهه گیری اغلب اعضاء این کانونها در مقابل دولت و با انتشار وصیت نامه خسرو گل سرخی و کرامت الله دانشیان در مطبوعات و به ویژه نمایش فیلم و دفاعیات خسرو گل سرخی از تلویزیون که ضمن ستایش از مولای متقیان گفت:

یاران! ایان هراشان از یکبار چگی ماست و ماراز پیروزیمان درو حیدت آگاهانه است، آگاهانه متحد شویم، ماداغ لعنت خوردگان برپاخیزیم و دنیای فقر و بردگی را درهم کوبیم تا هیچ بودگان هر چیزی گردند.

زنده باد خاطره شهادت کارگران اولین تجلی وحدت کارگری همچون اشتیس ولینگ و یار سونس که دشمن ظلم ظالم سرمایه داری بودند.

زنده باد همبستگی بین الملل کارگری.

زنده باد خاخره شهدای اول ماه مه ۱۹۲۸ استانبول

با ایمان به پیروزی راهمان چریک فدائی سرحد فخری می گیریم.

# مرگ بر امپریالیسم آمریکا و وابستگانش